

به نام خدای مهربان



• برای دریافت آخرین
امتحان نهایی
این کد رو اسکن کن.



دانش آموزان و همکاران گرامی، سلام...

کتاب جامعه‌شناسی ۲ پر از موضوعات و نکته‌های جذابه که مثل حلقه‌های زنجیر به هم وصل شدن. یعنی هر درس هم نتیجه درس قبلیه و هم مقدمه درس بعدی. واسه همین اگه می‌خوای خوب یاد بگیری، بهتره درس‌ها رو به ترتیب و پشت سر هم بخونی. حفظ کردن طوطی‌وار رو هم بیخیال شو! چون تا وقتی مطلب رو درست نفهمی، نه انگیزه ادامه پیدا می‌کنه نه از خوندنش لذت می‌بری. ما توی این کتاب سعی کردیم مطالب رو دسته‌بندی‌شده و ساده‌تر برات بیاریم تا راحت‌تر بفهمیش. اما یادت باشه، هیچ کتاب کمک‌درسی جای کتاب اصلی رو نمی‌گیره. پس پیشنهاد ما اینه که حتماً هر دو کتاب رو با هم بخونی.

ما توی این کتاب با کلی دقت و حوصله، همه چیزهایی رو که برای موفقیت توی جامعه‌شناسی لازم داری، یکجا و مرتب برات جمع کردیم. از مفاهیم اصلی گرفته تا کلیدواژه‌ها، از جدول‌ها و فعالیت‌ها تا پاورقی‌ها و اصطلاحات کلیدی، از نمودارها و تصاویر تا بخش‌های مهم مثل «بخوانیم و بدانیم»ها و ریزترین نکاتی که ممکنه توی امتحان بیاد. همه این‌ها رو طبقه‌بندی کردیم و به زبونی ساده و قابل فهم آوردیم تا وقتی کتاب رو باز می‌کنی، دقیقاً بدونی کجا باید وقت بذاری و چطور پیش بری. اینطوری نه گیج میشی، نه چیزی از قلم می‌افته و با خیال راحت می‌تونی مطمئن باشی که همه مطالب رو کامل پوشش دادی. هدفمون این بوده که این کتاب مثل یک راهنمای حرفه‌ای کنارت باشه؛ طوری که با کمترین زمان و بیشترین بازدهی، هم مطالعات راحت‌تر بشه و هم بتونی سریع‌تر و کامل‌تر آماده امتحان بشی و در نهایت هم با اعتماد به نفس کامل سر جلسه امتحان حاضر بشی.

ساختار کتاب این کتاب شامل قسمت‌های متنوع و کاربردی که به صورت مختصر توضیح میدیم:

کتاب پرسؤال

هر درس رو با یک مشاوره کار راه‌انداز شروع کردیم که توش بهت می‌گیم کدوم مباحث بیشتر احتمال داره ازش تو امتحان سؤال بیاد و علاوه بر این، درباره بارم‌بندی اون درس و اینکه چطور باید بخونیش هم کلی نکته کاربردی برات گذاشتیم.

کتاب پرسؤال جامعه‌شناسی از چند جهت واقعاً ارزشمند. اول از همه، تعداد سؤال‌ها اونقدر زیاده که خیالت رو از آمادگی برای گرفتن یک نمره عالی راحت می‌کنه. دوم اینکه درسنامه‌های این کتاب کامل و فوق‌العاده کاربردی هستن؛ پر از نکته، نمودار، جدول و طراحی‌های جذابه که باعث میشه مثل کتاب درسی با متن یکنواخت و خسته‌کننده روبه‌رو نباشی. سوم اینکه ما سعی کردیم سؤال‌های این کتاب از نظر محتوا و ساختار، کاملاً شبیه سؤال‌های امتحان نهایی باشه تا تجربه واقعی آزمون رو پیدا کنی. چهارم اینکه توی این کتاب همه مدل سؤال رو برات گذاشتیم؛ از درست و نادرست و جای خالی گرفته تا تستی، کوتاه‌پاسخ، بلندپاسخ و... اینطوری هم با همه تیپ سؤال آشنا میشی، هم می‌فهمی تو کدوم بخش‌ها قوی‌ای و کجاها باید بیشتر کار کنی. پنجم هم اینکه سؤال‌ها رو در سه سطح مختلف آوردیم؛ از آسون شروع کردیم، رفتیم سراغ متوسط و بعد هم سؤال‌های سخت. اینطوری قدم به قدم پیش میری و کم‌کم به اوج آمادگی می‌رسی. سؤال‌ات دشوارتر و خلاقانه‌تر با علامت **۲۰+** مشخص شده که شما رو بیشتر به کسب نمره ۲۰ نزدیک می‌کنه. ششم اینکه تو قسمت پاسخنامه، برات یک پاسخنامه کاملاً تشریحی گذاشتیم که نه تنها جواب رو می‌گه، بلکه با کادرهای آموزشی مثل «نکته» و «توجه» نکات مهم رو یادت میده تا مطلب کامل برات جا بیفته.

ما اومدیم هر درس رو طبق طرح درس معلم‌ها به چند بخش تقسیم کردیم و هر بخش رو جدا گذاشتیم. زیر هر بخش هم نوشتیم این سؤال‌ها مربوط به کدوم تیترهای درسه تا راحت‌تر پیدا بشون کنی. تازه توی هر بخش، از همه مدل سؤال‌هایی که تا حالا تو امتحان‌های نهایی اومده استفاده کردیم، حتی اونایی که احتمال میدیم امسال اضافه بشن! خلاصه مطمئن باش سؤال‌های تو امتحان نهایی نمی‌بینی که نمونه‌ش رو تو کتاب «پرسؤال» ندیده باشی.

کتاب کاربردگ امتحانی

۱- آزمون‌های درس به درس: این آزمون‌ها رو دقیقاً به سبک امتحان نهایی طراحی کردیم تا بعد از خوندن هر بخش، حس یک امتحان واقعی رو تجربه کنی.
۲- آزمون‌های جامع: پس از آزمون‌های درس به درس، آزمون‌های جامع آوردیم. از این آزمون‌ها، دو آزمون تالیفی نیم‌سال اول، و مابقی امتحان‌های شبیه‌ساز نوبت دوم و امتحان‌های نهایی برگزار شده است. حتماً پس از مطالعه کل کتاب سراغ این آزمون‌ها برید.

کتابچه خلاصه کپسولی

اما بچه‌ها براتون یک هدیه کوچک اما بسیار کاربردی گذاشتیم. «خلاصه کپسولی» که در اصل خلاصه کل کتاب و شامل مهم‌ترین و پرتکرارترین نکات امتحان نهاییه.

قدردانی

بر خود لازم می‌دانم مراتب سپاس و امتنان خویش را از کسانی که در تألیف این کتاب مرا یاری نمودند، ابراز نمایم:

جناب آقای محمدجواد حیدر مشاور علمی واحد علوم انسانی و جناب آقای امیر محمدبیگی مدیر تألیف پروژه

جناب آقای امیدی و جناب آقای محسن سعیدآبادی که با تلاش‌های شبانه‌روزی خود، زحمت تألیف قسمتی از کتاب را برعهده داشتند.

سرکار خانم مهشید بشیری مسئول پروژه حرفه‌ای پیگیر و خوش‌اخلاق این کتاب



درس اول: جهان فرهنگی

درسنامه	۶
سؤالات امتحانی	۹
پاسخنامه	۱۱۴



درس دوم: فرهنگ جهانی

درسنامه	۱۴
سؤالات امتحانی	۱۶
پاسخنامه	۱۱۶



درس سوم: نمونه‌های فرهنگ جهانی ۱

درسنامه	۲۱
سؤالات امتحانی	۲۳
پاسخنامه	۱۱۹



درس چهارم: نمونه‌های فرهنگ جهانی ۲

درسنامه	۲۸
سؤالات امتحانی	۳۰
پاسخنامه	۱۲۱



درس پنجم: باورها و ارزش‌های بنیادین ...

درسنامه	۳۴
سؤالات امتحانی	۳۷
پاسخنامه	۱۲۴



درس ششم: چگونگی تکوین فرهنگ ...

درسنامه	۴۱
سؤالات امتحانی	۴۵
پاسخنامه	۱۲۶



درس هفتم: جامعه جهانی

درسنامه	۴۹
سؤالات امتحانی	۵۱
پاسخنامه	۱۲۹



درس هشتم: تحولات نظام جهانی

درسنامه	۵۵
سؤالات امتحانی	۵۹
پاسخنامه	۱۳۲



درس نهم: جهان دو قطبی

درسنامه	۶۳
سؤالات امتحانی	۶۶
پاسخنامه	۱۳۵



درس دهم: جنگ‌ها و تقابل‌های جهانی

درسنامه	۷۰
سؤالات امتحانی	۷۳
پاسخنامه	۱۳۷



درس یازدهم: بحران‌های اقتصادی ...

درسنامه	۷۷
سؤالات امتحانی	۷۹
پاسخنامه	۱۴۰



درس دوازدهم: بحران‌های معرفتی و معنوی

درسنامه	۸۳
سؤالات امتحانی	۸۶
پاسخنامه	۱۴۲



درس سیزدهم: سرآغاز بیداری اسلامی

درسنامه	۸۹
سؤالات امتحانی	۹۲
پاسخنامه	۱۴۴



درس چهاردهم: انقلاب اسلامی ایران، ...

درسنامه	۹۷
سؤالات امتحانی	۹۹
پاسخنامه	۱۴۷



درس پانزدهم: افق بیداری اسلامی

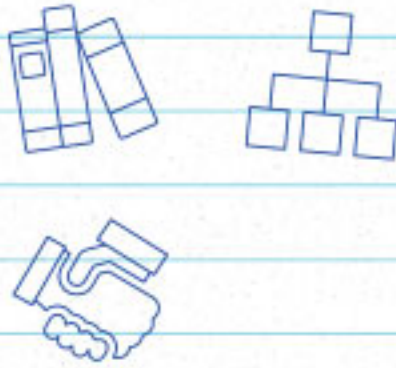
درسنامه	۱۰۳
سؤالات امتحانی	۱۰۸
پاسخنامه	۱۴۹

بخش اول
درسنامه و سؤال



درس اول

جهان فرهنگی



مشاوره: این درس با سه سری از مفاهیم کتاب جامعه‌شناسی دهم ارتباط دارد که لازم اول با هم به مرور داشته باشیم. خواستون باشه که حتماً به ۳ دیدگاهی که در پایان درس درباره اون‌ها صحبت می‌کنیم، توجه ویژه‌ای داشته باشین که هم توی کنکور و هم توی امتحان نهایی زیاد ارزش سوال اومده. بارم این درس در امتحانات نوبت اول ۲/۵ نمره و در امتحانات نوبت دوم تا ۱ نمره هم می‌تونه باشه.

یادآوری: تفاوت جهان اجتماعی و جهان طبیعی: ۱ عضویت اعضا در بدن موجودات زنده و نظم آن‌ها، **تکوینی** است، یعنی براساس آگاهی و اراده اعضا به وجود نمی‌آید؛ ولی عضویت در جهان اجتماعی و نظم میان اعضای آن، **قراردادی و اعتباری** است، یعنی با اراده و آگاهی اعضا شکل می‌گیرد. ۲ موجودات زنده، از طریق زاد و ولد (**وراثت**)، زندگی خود را در طول زمان تداوم می‌بخشند؛ ولی جهان اجتماعی با انتقال **فرهنگ** خود به نسل‌های بعد، تداوم می‌یابد.

جهان اجتماعی	جهان طبیعی		
✓	✗	ارادی و آگاهانه	عضویت و نظم
✗	✓	تکوینی	
✗	✓	از طریق وراثت	تداوم و انتقال
✓	✗	از طریق انتقال فرهنگ	

تعریف: به مجموعه آگاهی‌های عمومی و مشترک میان اعضای یک جهان اجتماعی، «فرهنگ» می‌گویند. • جهان اجتماعی دارای اجزا و لایه‌هایی است که عقاید و ارزش‌ها در لایه‌های عمیق آن و هنجارها و نمادها در لایه‌های سطحی آن قرار می‌گیرند.

لایه سطحی	هنجارها و نمادها
لایه عمیق	عقاید و ارزش‌ها

نکته: ۱ هویت جهان اجتماعی بیشتر از لایه‌های عمیق فرهنگ (عقاید و ارزش‌ها) تأثیر می‌گیرد. ۲ اگه یادتون باشه، در درس ۱۱ جامعه‌شناسی دهم، گفته شده بود که عقاید و ارزش‌ها هویت فرهنگی جهان اجتماعی رو می‌سازن و تغییر در اون‌ها باعث تغییر جهان اجتماعی به جهان اجتماعی دیگه‌ای میشه و علت تفاوت‌های جهان‌های اجتماعی مختلف هم، همین تفاوت در عقاید و ارزش‌های اون‌هاست.

• خب دیگه! بعد از به مقدمه و یادآوری نسبتاً طولانی، بهتره بریم سراغ اصل مطالب این درس!

پرسش‌های بنیادین

• هر فرهنگی در **عمیق‌ترین** لایه‌های خود (عقاید و ارزش‌ها) به بنیادی‌ترین پرسش‌های بشر پاسخ می‌دهد که این پرسش‌ها و پاسخ‌های بنیادی، همان عقاید اساسی یا تصاویر بنیادی هر فرهنگ را از انسان و جهان می‌سازند و به‌مثابه **روح** یا **شالوده** آن فرهنگ عمل می‌کنند. • این پرسش‌ها به سه دسته اصلی تقسیم می‌شوند:

پرسش‌هایی از قبیل اینکه «آیا جهان هستی به همین جهان مادی محدود می‌شود؟»	هستی‌شناسانه
پرسش‌هایی از قبیل اینکه «آیا انسان موجودی مختار و فعال است یا مجبور و منفعل؟»	انسان‌شناسانه
پرسش‌هایی از قبیل اینکه «آیا تنها راه شناخت، حس و تجربه است؟»	معرفت‌شناسانه

نکته: پاسخ‌های متفاوت به این پرسش‌های اساسی، **جهان‌های فرهنگی مختلفی** را پدید می‌آورند. (به ذره جلوتر بهتون میگم جهان فرهنگی چیه!)



جهان انسانی

- مجموعه‌های بزرگ و مهم را به دلیل گستردگی و اهمیت آن‌ها، «جهان» می‌نامند و یکی از این جهان‌ها، جهان انسانی است.
- جهان انسانی محصول زندگی انسان است و هر چه با **عمل** و **اندیشه** انسان پدید می‌آید، به این جهان تعلق دارد.
- جهان انسانی به دو بخش فردی و اجتماعی تقسیم می‌شود:

جهان انسانی	بخش فردی (جهان ذهنی)	• مربوط به زندگی شخصی و فردی انسان‌ها • شامل ابعاد ذهنی، اخلاقی و روانی انسان‌ها • دربرگیرنده دانسته‌ها، تجربه‌ها و خلیات ویژه‌ای که افراد دیگر با ما در آن‌ها شریک نیستند.
	بخش اجتماعی (جهان فرهنگی)	• دربرگیرنده زندگی اجتماعی انسان‌ها • دارای هویت فرهنگی • محصول آگاهی و عمل مشترک انسان‌ها

مثال: وقتی فردی درباره موضوع خاصی می‌اندیشد، در محدوده **فردی** و **ذهنی** خود قرار دارد، ولی هنگامی که اندیشه‌اش را به صورت گفته یا نوشته بیان می‌کند یا براساس اندیشه و تصمیم خود با دیگران رفتار می‌کند، به **جهان فرهنگی** وارد می‌شود.

نکته: بین دو بخش ذهنی و فرهنگی جهان انسانی، تناسب و هماهنگی وجود دارد.

تأثیر جهان فرهنگی بر جهان ذهنی	هر فرهنگی نوع خاصی از عقاید و خصوصیات ذهنی را در افراد به وجود می‌آورد و به همان نوع از عقاید، ارزش‌ها و خصوصیت‌ها، اجازه بروز می‌دهد.
تأثیر جهان ذهنی بر جهان فرهنگی	هر نوع عقیده و اخلاقی، فرهنگ متناسب با خود را جست‌وجو می‌کند.

جهان تکوینی

- تمامی پدیده‌های جهان هستی، محصول زندگی انسان نیستند. در مقابل جهان انسانی، جهان دیگری به نام **جهان تکوینی** وجود دارد که پیش از انسان هم بوده و وجود آن **مستقل از خواست و اراده انسان** است.

جهان هستی	
جهان انسانی	جهان تکوینی
۱ اعتباری و قراردادی است.	۱ اعتباری و قراردادی نیست.
۲ توسط انسان‌ها خلق می‌شود.	۲ پیش از انسان هم بوده (انسان فقط می‌تواند در آن دخل و تصرف کند).
۳ وابسته به خواست و اراده انسان است.	۳ مستقل از خواست و اراده انسان است.
محصول زندگی انسان است.	محصول زندگی انسان نیست.

دو دیدگاه در مورد جهان تکوینی

دیدگاه اول

- جهان تکوینی را به طبیعت محدود می‌دانند.
- طبیعت را در مقابل جهان انسانی قرار می‌دهند.
- از وجود سه جهان سخن می‌گویند: جهان طبیعت، جهان ذهنی و جهان فرهنگی
- جهان هستی:
 - جهان تکوینی: جهان طبیعت
 - جهان انسانی:
 - جهان ذهنی
 - جهان فرهنگی

دیدگاه دوم (متفکران مسلمان)

- جهان تکوینی را به جهان طبیعت محدود نمی‌دانند.
- جهان طبیعت بخشی از جهان تکوینی است.
- جهان تکوینی را به دو جهان طبیعت و فوق طبیعت تقسیم می‌کنند.
- از وجود چهار جهان سخن می‌گویند: جهان فوق طبیعت، جهان طبیعت، جهان ذهنی و جهان فرهنگی.

- جهان هستی:
 - جهان تکوینی:
 - جهان طبیعت
 - جهان فوق طبیعت
 - جهان انسانی:
 - جهان ذهنی
 - جهان فرهنگی

تعامل جهان‌های ذهنی، فرهنگی و تکوینی:

- جهان‌های مختلف با هم رابطه و تعامل دارند. همان‌طور که میان دو بخش جهان انسانی یعنی جهان ذهنی و جهان فرهنگی، ارتباط و هماهنگی وجود دارد، بین جهان تکوینی و جهان انسانی نیز رابطه و پیوند برقرار است.
- درباره جهان‌های مختلف و چگونگی رابطه و پیوند میان آن‌ها، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد:

دیدگاه اول: اهمیت جهان طبیعی

- جهان تکوینی به جهان طبیعت محدود می‌شود.
- جهان طبیعت مهم‌تر از جهان ذهنی و جهان فرهنگی است.
- ذهن افراد و فرهنگ نیز هویتی طبیعی و مادی دارند.
- علوم مربوط به جهان انسانی نظیر علوم طبیعی است.
- بین علوم طبیعی و علوم انسانی تفاوتی قائل نیستند.

نکته: • این دیدگاه با نادیده گرفتن تفاوت علوم انسانی با علوم طبیعی، ظرفیت‌ها و قابلیت‌هایی را از علوم انسانی و اجتماعی سلب می‌کند.



دیدگاه دوم: اهمیت جهان فرهنگی

- جهان تکوینی به جهان طبیعت محدود می‌شود.
- جهان فرهنگی را مهم‌تر از جهان ذهنی و تکوینی می‌دانند.
- جهان ذهنی و فردی افراد تابع فرهنگ آن‌هاست.
- جهان تکوینی ماده خامی است که فرهنگ‌ها و جوامع مختلف در آن دخل و تصرف می‌کنند.

نکته: ۱ در این دیدگاه، جهان ذهنی و جهان تکوینی اهمیتی ندارند و استقلال خود را در برابر جهان فرهنگی از دست می‌دهند.
 ۲ وضعیت امروزی زیست‌محیطی محصول این دیدگاه است.

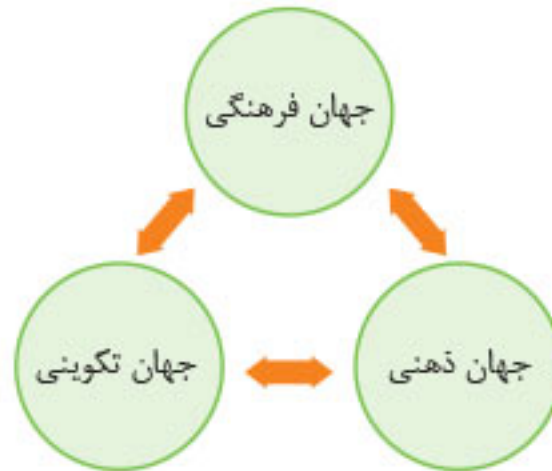


دیدگاه سوم: اهمیت و تعامل هر سه جهان (دیدگاه قرآنی)

- جهان فرهنگی، جهان ذهنی و جهان تکوینی، مهم و در تعامل با یکدیگرند.
- دیدگاه قرآن:
 - جهان تکوینی به طبیعت محدود نمی‌شود.
 - اهمیت جهان تکوینی:
 - ادراک و آگاهی به انسان منحصر نمی‌شود.
 - جهان تکوینی براساس حکمت و خواست خداوند، با افراد و جوامع انسانی رفتاری حکیمانه دارد.



• اهمیت جهان فرهنگی و ذهنی: برای جامعه و فرهنگ جایگاه ویژه‌ای قائل است و از زندگی و مرگ امت‌ها سخن می‌گوید. ولی در عین حال، جهان فردی اشخاص را نادیده نمی‌گیرد و بر مسئولیت فرد در قبال فرهنگ و جامعه تأکید می‌کند.



بیشتر بدانیم: از منظر قرآن کریم، هرگاه انسان، اخلاق الهی داشته باشد و جامعه نیز از فرهنگ توحیدی برخوردار باشد، جهان تکوینی درهای برکات خود را به روی آن‌ها می‌گشاید و هرگاه افراد و فرهنگ جامعه، هویتی مشرکانه داشته باشند، زمین و آسمان از تعامل سازنده با آن‌ها سر باز می‌زنند و ظرفیت‌های الهی و آسمانی خود را از آن‌ها پنهان می‌کنند.

نکته: قرآن کریم، باورها و اعمالی را که نمی‌گذارند انسان حقیقت خویش و جهان هستی را درک کند، «اغلال و سلاسل» می‌نامد. • اگر انسان از خود و جهان هستی شناخت درستی نداشته باشد، از تعامل صحیح با جهان هستی باز می‌ماند و نمی‌تواند استعدادهایش را پیرواند و شکوفا کند.

نداشتن شناخت صحیح از خود و جهان هستی = بازماندن از تعامل صحیح با جهان هستی + عدم شکوفایی استعدادها و توانایی‌ها

معلول ۲

معلول ۱

علت

سوالات امتحانی

بخش اول

جهان انسانی و جهان تکوینی

الف درستی یا نادرستی عبارات زیر را مشخص کنید.

۱. هویت جهان اجتماعی، بیشتر از لایه‌های سطحی فرهنگ (هنجارها و نمادها) تأثیر می‌گیرد. ☒
۲. هر فرهنگی در عمیق‌ترین لایه‌های خود، به بنیادی‌ترین پرسش‌های بشر پاسخ می‌دهد. ☒
۳. پرسش‌ها و پاسخ‌های بنیادی، همان عقاید اساسی یا تصاویر بنیادی هر فرهنگ را از انسان و جهان می‌سازند. ☒
۴. پرسش‌های بنیادی به سه دسته اصلی تقسیم می‌شوند. ☒
۵. پرسش «آیا جهان هستی به همین جهان مادی محدود می‌شود؟» مربوط به پرسش‌های معرفت‌شناسانه است. ☒
۶. پرسش «آیا انسان موجودی مختار و فعال است یا مجبور و منفعل؟» به پرسش‌های معرفت‌شناسانه تعلق دارد. ☒
۷. پرسش «آیا تنها راه شناخت، حس و تجربه است؟» مربوط به پرسش‌های انسان‌شناسانه است. ☒
۸. مجموعه‌های بزرگ و مهم را به دلیل گستردگی و اهمیتشان، جهان می‌نامند. ☒
۹. جهان انسانی، محصول زندگی انسان است. ☒
۱۰. هرچه با اندیشه و عمل انسان پدید می‌آید، به جهان انسانی تعلق دارد. ☒
۱۱. جهان انسانی به دو بخش فردی و اجتماعی تقسیم می‌شود. ☒
۱۲. بخش فردی جهان انسانی به زندگی شخصی و فردی انسان‌ها بازمی‌گردد. ☒
۱۳. فرهنگ، شیوه زندگی فردی انسان‌ها را شکل می‌دهد و خود نیز محصول آگاهی و عمل مشترک انسان‌هاست. ☒
۱۴. بخش فردی جهان انسانی را جهان ذهنی می‌نامند. ☒
۱۵. بخش اجتماعی جهان انسانی را جهان فرهنگی می‌نامند. ☒
۱۶. هنگامی که فردی اندیشه‌اش را به صورت گفته یا نوشته بیان می‌کند یا براساس اندیشه و تصمیم خود با دیگران رفتار می‌کند، از جهان فرهنگی به جهان ذهنی وارد می‌شود. ☒



۱۷. بین دو بخش ذهنی و فرهنگی جهان انسانی، تناسب و هماهنگی وجود دارد.

۱۸. هر فرهنگی نوع خاصی از عقاید و خصوصیات ذهنی را در افراد به وجود می‌آورد و به همان نوع از عقاید و خصوصیات، اجازه بروز و ظهور می‌دهد.



۱۹. هر نوع عقیده و اخلاقی، فرهنگ متناسب با خود را جست‌وجو می‌کند.

۲۰. تمامی پدیده‌های جهان هستی، محصول زندگی انسان هستند.

۲۱. جهان تکوینی در مقابل جهان انسانی وجود دارد.

۲۲. جهان تکوینی، پیش از انسان هم بوده و وجود آن مستقل از خواست و اراده انسان است.

۲۳. متفکران مسلمان، جهان تکوینی را به طبیعت محدود می‌دانند.

ب. جاهای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید.

۲۴. هویت جهان اجتماعی بیشتر از لایه‌های فرهنگ تأثیر می‌گیرد.

۲۵. هر فرهنگی در لایه‌های خود، به بنیادی‌ترین پرسش‌های بشر پاسخ می‌دهد.

۲۶. مجموعه‌های بزرگ و مهم را به دلیل گستردگی و اهمیتشان، می‌نامند.

۲۷. شیوه زندگی اجتماعی انسان‌ها را شکل می‌دهد و خود نیز محصول آگاهی و عمل مشترک انسان‌هاست.

۲۸. بخش فردی جهان انسانی را و بخش اجتماعی آن را می‌نامند.

۲۹. هنگامی که فرد اندیشه‌اش را به صورت گفته یا نوشته بیان می‌کند یا براساس اندیشه و تصمیم خود با دیگران رفتار می‌کند، به جهان وارد می‌شود.

۳۰. بخش اجتماعی زندگی انسان‌ها، هویت دارد.

۳۱. بین دو بخش ذهنی و فرهنگی جهان انسانی، وجود دارد.

۳۲. در مقابل جهان انسانی، جهان دیگری به نام جهان وجود دارد.

۳۳. متفکران مسلمان، جهان تکوینی را به محدود نمی‌دانند.

۳۴. متفکران مسلمان، جهان تکوینی را به دو جهان و تقسیم می‌کنند.

ج. گزینه درست را انتخاب کنید.

۳۵. هر فرهنگی در کدام لایه‌های خود، به بنیادی‌ترین پرسش‌های بشر پاسخ می‌دهد؟

۱) سطحی‌ترین لایه‌های خود

۲) لایه هنجارها

۳) لایه نمادها

۴) عمیق‌ترین لایه‌های خود

۳۶. پرسش «آیا جهان هستی به همین جهان مادی محدود می‌شود؟» به کدام دسته از پرسش‌های بنیادی تعلق دارد؟

۱) هستی‌شناسانه

۲) انسان‌شناسانه

۳) معرفت‌شناسانه

۴) خداشناسانه

۳۷. پرسش «آیا انسان موجودی مختار و فعال است یا مجبور و منفعل؟»، مربوط به کدام دسته از پرسش‌های بنیادی است؟

۱) هستی‌شناسانه

۲) انسان‌شناسانه

۳) معرفت‌شناسانه

۴) هیچ کدام

۳۸. پرسش «آیا تنها راه شناخت، حس و تجربه است؟»، به کدام دسته از پرسش‌های بنیادی تعلق دارد؟

۱) هستی‌شناسانه

۲) انسان‌شناسانه

۳) معرفت‌شناسانه

۴) هیچ کدام

۳۹. بخش فردی جهان انسانی را و بخش اجتماعی آن را نیز می‌نامند.

۱) جهان ذهنی - جهان فرهنگی

۲) جهان ذهنی - جهان تکوینی

۳) جهان ذهنی - جهان فرهنگی

۴) جهان ذهنی - جهان تکوینی

۴۰. متفکران مسلمان، جهان تکوینی را به کدام جهان محدود نمی‌دانند؟

۱) انسانی

۲) فرهنگی

۳) طبیعت

۴) ذهنی

د. وصل کنید.

۴۱. هر عبارت را به مفهوم مناسب در ستون مقابل آن وصل کنید. (یک مورد اضافی است).

الف) متفکران مسلمان

ب) نقطه مقابل جهان انسانی

ج) بخش فردی جهان انسانی

د) بخش اجتماعی جهان انسانی

ه) محدود ندانستن جهان تکوینی به طبیعت

و) جهان ذهنی

ز) جهان فرهنگی

ح) جهان تکوینی

ط) اخلال و سلاسل

**ه به سؤالات زیر پاسخ کوتاه دهید.**

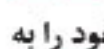
۴۲. هر فرهنگ در کدام یک از لایه‌های خود، به بنیادی‌ترین پرسش‌های بشر پاسخ می‌دهد؟
۴۳. هویت جهان اجتماعی، بیشتر از کدام لایه‌های فرهنگ تأثیر می‌گیرد؟
۴۴. چه چیزی عقاید اساسی یا تصاویر بنیادی هر فرهنگ را از انسان و جهان می‌سازد؟
۴۵. پرسش‌های بنیادی بشر به چند دسته اصلی تقسیم می‌شوند؟ نام ببرید.
۴۶. پرسشی از قبیل «آیا جهان هستی به همین جهان مادی محدود می‌شود؟»، به کدام دسته از پرسش‌های بنیادی بشر تعلق دارد؟
۴۷. پرسشی از قبیل «آیا انسان موجودی مختار و فعال است یا مجبور و منفعل؟»، به کدام دسته از پرسش‌های بنیادی بشر تعلق دارد؟
۴۸. پرسشی از قبیل «آیا تنها راه شناخت، حس و تجربه است؟»، به کدام دسته از پرسش‌های بنیادی بشر تعلق دارد؟
۴۹. مجموعه‌های بزرگ و مهم را به دلیل گستردگی و اهمیتشان چه می‌نامند؟
۵۰. جهان انسانی به چند بخش تقسیم می‌شود؟
۵۱. بخش فردی جهان انسانی کدام ابعاد را شامل می‌شود؟
۵۲. بخش اجتماعی جهان انسانی چه ابعادی را در بر می‌گیرد؟
۵۳. از بخش فردی جهان انسانی و بخش اجتماعی آن به ترتیب با چه نام‌هایی یاد می‌شود؟
۵۴. فرهنگ، محصول چیست؟
۵۵. وقتی فردی براساس اندیشه و تصمیم خود با دیگران رفتار می‌کند، وارد کدام جهان می‌شود؟
۵۶. جهان انسانی در مقابل چه جهانی قرار می‌گیرد؟
۵۷. جهانی که مستقل از خواست و اراده انسان است، چه نام دارد؟
۵۸. متفکران مسلمان جهان تکوینی را به چند بخش تقسیم می‌کنند؟ نام ببرید.

و به سؤالات زیر پاسخ کامل دهید.

۵۹. پاسخ به پرسش‌های بنیادی بشر، چه چیزی را می‌سازد و چگونه عمل می‌کند؟
۶۰. پرسش‌های بنیادی به چند دسته تقسیم می‌شوند؟ توضیح دهید.
۶۱. جهان را تعریف کنید.
۶۲. جهان انسانی را تعریف کنید.
۶۳. جهان انسانی به چند بخش تقسیم می‌شود؟ توضیح دهید.
۶۴. فرهنگ چه چیزی را شکل می‌دهد و خود نیز محصول چیست؟
۶۵. ارتباط میان جهان ذهنی و فرهنگی را توضیح دهید.
۶۶. منظور از جهان تکوینی چیست؟
۶۷. متفکران مسلمان چه نگاهی به جهان تکوینی دارند؟

بخش دوم**تعامل جهان‌های ذهنی، فرهنگی و تکوینی****الف درستی یا نادرستی عبارات زیر را مشخص کنید.**

۶۸. جهان‌های مختلف با هم رابطه و تعامل دارند.
۶۹. بین جهان تکوینی و جهان انسانی، هیچ رابطه و پیوندی برقرار نیست.
۷۰. براساس دیدگاه اول، جهان تکوینی به جهان طبیعت محدود نمی‌شود.
۷۱. براساس دیدگاه اول، ذهن افراد و فرهنگ نیز هویتی طبیعی و مادی دارند.
۷۲. طرفداران دیدگاه اول، بین علوم طبیعی و علوم انسانی تفاوتی قائل نیستند.
۷۳. طرفداران دیدگاه دوم، با نادیده گرفتن تفاوت علوم انسانی با علوم طبیعی، ظرفیت‌ها و قابلیت‌هایی را از علوم انسانی و اجتماعی سلب می‌کنند.
۷۴. براساس دیدگاه اول، جهان ذهنی مهم‌تر از جهان طبیعت و جهان فرهنگی است.
۷۵. طرفداران دیدگاه دوم، جهان فرهنگی را مهم‌تر از جهان ذهنی و تکوینی می‌دانند.
۷۶. براساس دیدگاه دوم، جهان ذهنی و فردی افراد، تابع فرهنگ آن‌هاست.
۷۷. براساس دیدگاه اول، جهان تکوینی ماده خامی است که فرهنگ‌ها و جوامع مختلف در آن دخل و تصرف می‌کنند.
۷۸. براساس دیدگاه اول، جهان ذهنی و جهان تکوینی اهمیتی ندارند و استقلال خود را در برابر جهان فرهنگی از دست می‌دهند.



۷۹. براساس دیدگاه سوم، جهان فرهنگی، جهان ذهنی و جهان تکوینی مهم و در تعامل با یکدیگرند.

۸۰. از نگاه قرآن، جهان تکوینی محدود به جهان طبیعت نیست.

۸۱. از نگاه قرآن، جهان تکوینی براساس حکمت و خواست خداوند سبحان، با افراد و جوامع انسانی رفتاری حکیمانه دارد.

۸۲. دیدگاه دوم، جهان فردی اشخاص را نادیده نمی‌گیرد و بر مسئولیت فرد در قبال فرهنگ و جامعه تأکید می‌کند.

۸۳. از منظر قرآن کریم، هرگاه انسان اخلاق الهی داشته باشد و جامعه نیز از فرهنگ توحیدی برخوردار باشد، جهان تکوینی درهای برکات خود را به روی آن‌ها می‌گشاید.

۸۴. اگر انسان از خود و جهان هستی شناخت درستی نداشته باشد، از تعامل صحیح با جهان هستی باز می‌ماند.

۸۵. قرآن کریم، باورها و اعمالی را که نمی‌گذارند انسان حقیقت خویش و جهان هستی را درک کند، اهلل و سلاسل می‌نامد.

ب. جاهای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید.

۸۶. جهان‌های مختلف با هم و دارند.

۸۷. براساس دیدگاه اول، جهان تکوینی به محدود می‌شود.

۸۸. براساس دیدگاه اول، جهان مهم‌تر از جهان ذهنی و جهان است.

۸۹. براساس دیدگاه اول، ذهن افراد و فرهنگ نیز هویتی و دارند.

۹۰. طرفداران دیدگاه اول، بین علوم و علوم تفاوتی قائل نیستند.

۹۱. طرفداران دیدگاه دوم، جهان را مهم‌تر از جهان و تکوینی می‌دانند.

۹۲. در دیدگاه دوم، جهان ذهنی و فردی افراد تابع آن‌هاست.

۹۳. براساس دیدگاه، جهان تکوینی ماده خامی است که فرهنگ‌ها و جوامع مختلف در آن دخل و تصرف می‌کنند.

۹۴. در دیدگاه، جهان ذهنی و جهان تکوینی اهمیتی ندارند و استقلال خود را در برابر جهان فرهنگی از دست می‌دهند.

۹۵. از نگاه قرآن، و به انسان منحصر و محدود نمی‌شود.

۹۶. از نگاه قرآن، جهان تکوینی براساس و خداوند با افراد و جوامع انسانی رفتاری حکیمانه دارد.

۹۷. قرآن کریم جهان فردی اشخاص را نادیده نمی‌گیرد و بر مسئولیت در قبال تأکید می‌کند.

ج. گزینه درست را انتخاب کنید.

۹۸. براساس کدام دیدگاه، جهان تکوینی به جهان طبیعت محدود می‌شود؟

۱ ☐ دیدگاه اول ۲ ☐ دیدگاه دوم ۳ ☐ دیدگاه سوم ۴ ☐ دیدگاه قرآنی

۹۹. براساس جهان طبیعت مهم‌تر از جهان ذهنی و فرهنگی است.

۱ ☐ دیدگاه اول ۲ ☐ دیدگاه دوم ۳ ☐ دیدگاه سوم ۴ ☐ دیدگاه متفکران مسلمان

۱۰۰. براساس کدام دیدگاه، ذهن افراد و فرهنگ هویتی طبیعی و مادی دارند؟

۱ ☐ دیدگاه اول ۲ ☐ دیدگاه دوم ۳ ☐ دیدگاه سوم ۴ ☐ هیچ کدام

۱۰۱. طرفداران کدام دیدگاه، تفاوت علوم انسانی با علوم طبیعی را نادیده می‌گیرند؟

۱ ☐ دیدگاه اول ۲ ☐ دیدگاه دوم ۳ ☐ دیدگاه سوم ۴ ☐ دیدگاه قرآنی

۱۰۲. طرفداران کدام دیدگاه، جهان فرهنگی را مهم‌تر از جهان ذهنی و تکوینی می‌دانند؟

۱ ☐ دیدگاه اول ۲ ☐ دیدگاه دوم ۳ ☐ دیدگاه سوم ۴ ☐ هیچ کدام

۱۰۳. براساس کدام دیدگاه، جهان ذهنی و فردی افراد تابع فرهنگ آن‌هاست؟

۱ ☐ دیدگاه اول ۲ ☐ دیدگاه دوم ۳ ☐ دیدگاه سوم ۴ ☐ دیدگاه متفکران مسلمان

۱۰۴. براساس کدام دیدگاه، جهان تکوینی ماده خامی است که فرهنگ‌ها و جوامع مختلف در آن دخل و تصرف می‌کنند؟

۱ ☐ دیدگاه اول ۲ ☐ دیدگاه دوم ۳ ☐ دیدگاه سوم ۴ ☐ دیدگاه قرآنی

۱۰۵. از نظر کدام دیدگاه، جهان ذهنی و جهان تکوینی اهمیتی ندارند و استقلال خود را در برابر جهان فرهنگی از دست می‌دهند؟

۱ ☐ دیدگاه اول ۲ ☐ دیدگاه دوم ۳ ☐ دیدگاه سوم ۴ ☐ دیدگاه متفکران مسلمان

۱۰۶. براساس کدام دیدگاه، جهان فرهنگی، جهان ذهنی و جهان تکوینی مهم و در تعامل با یکدیگرند؟

۱ ☐ دیدگاه اول ۲ ☐ دیدگاه دوم ۳ ☐ دیدگاه سوم ۴ ☐ هیچ کدام

۱۰۷. از نگاه، جهان تکوینی محدود به جهان طبیعت نیست و ادراک و آگاهی نیز به انسان‌ها محدود نمی‌شود.

۱ ☐ دیدگاه اول ۲ ☐ دیدگاه دوم ۳ ☐ قرآن ۴ ☐ هیچ کدام



د وصل کنید.

۱۰۸. هر عبارت را به مفهوم مناسب در ستون مقابل آن وصل کنید. (یک مورد اضافی است).

- | | | |
|---|---|------------------|
| الف) جهان طبیعت مهم‌تر از جهان ذهنی و فرهنگی است. | • | ۱) دیدگاه دوم |
| ب) جهان ذهنی و فردی افراد تابع فرهنگ آن‌هاست. | • | ۲) اخلال و سلاسل |
| ج) جهان تکوینی محدود به طبیعت نیست. | • | ۳) دیدگاه اول |
| د) باورها و اهمالی که نمی‌گذارند انسان حقیقت خویش و جهان هستی را درک کند. | • | ۴) دیدگاه قرآنی |
| | | ۵) جهان فرهنگی |

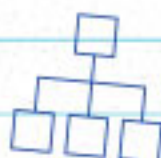
ه به سؤالات زیر پاسخ کوتاه دهید.

۱۰۹. براساس کدام دیدگاه، جهان تکوینی به جهان طبیعت محدود می‌شود؟
۱۱۰. براساس کدام دیدگاه، جهان طبیعت مهم‌تر از جهان ذهنی و جهان فرهنگی است؟
۱۱۱. از نظر دیدگاه اول، ذهن افراد و فرهنگ چه هویتی دارند؟
۱۱۲. کدام گروه تفاوت بین علوم طبیعی و علوم انسانی را نادیده می‌گیرد؟
۱۱۳. از نظر دیدگاه دوم، کدام جهان مهم‌تر است؟
۱۱۴. براساس دیدگاه دوم، جهان ذهنی و فردی افراد تابع چه چیزی است؟
۱۱۵. از نظر کدام دیدگاه، جهان ذهنی و جهان تکوینی اهمیتی ندارند و استقلال خود را در برابر جهان فرهنگی از دست می‌دهند؟
۱۱۶. از نظر کدام دیدگاه، جهان فرهنگی، جهان ذهنی و جهان تکوینی مهم و در تعامل با یکدیگرند؟
۱۱۷. براساس کدام دیدگاه، جهان تکوینی محدود به جهان طبیعت نیست؟
۱۱۸. از نظر کدام دیدگاه، ادراک و آگاهی به انسان محدود نمی‌شود؟
۱۱۹. از نگاه قرآن، جهان تکوینی چگونه با جوامع انسانی رفتار می‌کند؟

و به سؤالات زیر پاسخ کامل دهید.

۱۲۰. دیدگاه اول درباره تعامل جهان‌های ذهنی، فرهنگی و تکوینی را توضیح دهید.
۱۲۱. دیدگاه دوم درباره تعامل جهان‌های ذهنی، فرهنگی و تکوینی را توضیح دهید.
۱۲۲. از نگاه قرآن کریم، جهان تکوینی چه ویژگی‌هایی دارد؟
۱۲۳. قرآن کریم چگونه بر مسئولیت فرد در قبال فرهنگ و جامعه تأکید می‌کند؟
۱۲۴. از منظر قرآن کریم، جهان تکوینی در چه صورتی ظرفیت‌های خود را پنهان می‌کند؟
۱۲۵. از منظر قرآن کریم، جهان تکوینی در چه صورتی درهای برکت خود را به روی جامعه می‌گشاید؟
۱۲۶. پیامدهای عدم شناخت درست انسان از خود و جهان هستی را بیان کرده و توضیح دهید.
۱۲۷. منظور از اخلال و سلاسل چیست؟
۱۲۸. جمله «فردیت مجرد از اجتماع نیست» را تحلیل کنید.

فرهنگ جهانی



مشاوره: بازم این درس در امتحانات نوبت اول ۲/۵ نمره و در امتحانات نوبت دوم تقریباً ۱ نمره است. جدول‌های صفحات ۱۱ و ۱۷ کتاب درسی رو خوب بخونید و کلیه واژه‌های ویژگی‌های فرهنگ مطلوب جهانی رو حتماً به خاطر بسپارید.

مقدمه: فرهنگ‌های مختلف، گستره جغرافیایی و تداوم تاریخی یکسانی ندارند.

الف) تداوم تاریخی فرهنگ‌ها:

- در طول زمان، در سرزمین واحد، فرهنگ‌های متفاوتی پدید می‌آیند.
- عمر برخی از فرهنگ‌ها کوتاه و برخی دیگر طولانی است.

ب) گستره جغرافیایی فرهنگ‌ها:

- در زمانی واحد، در سرزمین‌های متعدد، فرهنگ‌های گوناگونی شکل می‌گیرند.
- برخی در مناطقی محدود به وجود می‌آیند و از مرزهای جغرافیایی خود عبور نمی‌کنند، ولی برخی دیگر گسترش بسیاری دارند.

نکته: نه تنها فرهنگ‌ها، بلکه عناصر و اجزای فرهنگ‌ها نیز از نظر تداوم تاریخی و گستره جغرافیایی یکسان نیستند. برخی عناصر فرهنگی، تداوم تاریخی و گسترش جغرافیایی بیشتری دارند و برخی این گونه نیستند.

فرهنگ نمونه	تداوم تاریخی بالا	گستره جغرافیایی وسیع
ژاپن	✓	✗
اینکاه‌ها	✗	✗
اسلام	✓	✓
مسیحیت	✓	✓

تنوع فرهنگ‌ها

- فرهنگ‌ها از دو منظر متنوع هستند: ۱ از نظر هویت فرهنگی (عقاید و ارزش‌های اساسی و کلان آن‌ها). ۲ از نظر گستره جغرافیایی و تداوم تاریخی

فرهنگ جهانی

تعریف: فرهنگی که از مرزهای جغرافیایی و قومی عبور می‌کند و در جهان گسترش می‌یابد، فرهنگ جهانی است.

نکته: فرهنگ‌هایی که عقاید و ارزش‌های آن‌ها مربوط به قوم و منطقه خاصی است، از محدوده قومی و منطقه‌ای خود فراتر نمی‌روند، مگر اینکه نسبت به سایر اقوام و مناطق نگاه سلطه‌جویانه داشته باشند.

- فرهنگ‌های جهانی دو گونه‌اند:

— گونه نخست: فرهنگ سلطه (استکبار)

— گونه دوم: فرهنگ حق (مطلوب جهانی)

- فرهنگی که عقاید و ارزش‌ها یا هنجارهای آن متعلق به قوم، منطقه یا گروه خاصی است، ولی نگاه سلطه‌جویانه دارد.
- چنین فرهنگی با عبور از مرزهای جغرافیایی خود، جهان را به دو منطقه مرکزی و پیرامونی تقسیم می‌کند.
- منطقه مرکزی، منطقه پیرامونی را به خدمت می‌گیرد.
- مثال:** ۱ فرهنگ صهیونیسم که آرمان‌ها و ارزش‌های خود را متوجه نژاد خاصی می‌داند و با رویکرد دنیوی خود، دیگران را در خدمت به آن نژاد به کار می‌گیرد. ۲ فرهنگ سرمایه‌داری که کانون ثروت و قدرت را مورد توجه قرار می‌دهد و کشورهای دیگر را در پیرامون آن به خدمت می‌گیرد.

- فرهنگی که عقاید، ارزش‌ها و هنجارهای آن در خدمت گروه و قوم خاصی نیست، بلکه سعادت همه انسان‌ها را دنبال می‌کند و از عقاید، ارزش‌ها و آرمان‌های مشترک انسانی صحبت می‌کند.
- مثال:** فرهنگ ادیان توحیدی (اسلام و مسیحیت)

فرهنگ‌های جهانی	گونه نخست: فرهنگ سلطه یا استکبار
	گونه دوم: فرهنگ حق یا مطلوب جهانی



تعریف: به فرهنگی که تسلط یک قوم، جامعه یا گروهی خاص را بر دیگران به دنبال می‌آورد و دیگر اقوام، جوامع و گروه‌ها را به ضعف و ناتوانی می‌کشاند، فرهنگ سلطه یا استکبار می‌گویند.

نکته: فرهنگی که عقاید، ارزش‌ها، هنجارها و رفتارهای آن مطابق نیازهای فطری باشد، همان فرهنگ حق است. (مانند فرهنگ اسلام)

توجه: فارابی جامعه‌ای را که عقاید و ارزش‌های آن حق باشد، اما هنجارها و رفتارهای آن موافق و همسو با حق نباشد، **مدینه فاسقه** می‌نامد.

ویژگی‌های فرهنگ جهانی مطلوب

عقاید و ارزش‌های فرهنگ جهانی باید عقاید و ارزش‌های **مشترک** انسانی باشد که از آن‌ها به عقاید و ارزش‌های **عام** و **جهان‌شمول** یاد می‌شود.

ویژگی اول: حقیقت

- انسان‌ها برای تشخیص **صحيح** یا **غلط بودن اندیشه‌ها، افکار و اعمالشان**، به معیار و میزان نیاز دارند: بنابراین فرهنگ جهانی مطلوب باید بتواند چنین معیاری را در اختیار انسان‌ها قرار دهد.
- فرهنگ‌هایی که به حقیقتی قائل نباشند:
- ↳ نمی‌توانند **معیار و میزانی** برای سنجش عقاید و ارزش‌های مختلف داشته باشند. **در نتیجه** نمی‌توانند از **حقانیت** ارزش‌های خود دفاع کنند.

ویژگی دوم: معنویت

- آدمی درباره مرگ و زندگی خود، پرسش‌های بنیادینی دارد که باید به آن‌ها پاسخ داده شود.
- انسان علاوه بر نیازهای **مادی و دنیوی**، نیازهای **ابدی و معنوی** نیز دارد: بنابراین فرهنگ جهانی باید از ارزش جهان‌شمول معنویت برخوردار باشد.
- فرهنگی که صرفاً متوجه نیازها و ابعاد مادی و دنیوی انسان باشد و از ارزش جهان‌شمول معنویت برخوردار نباشد، بشر را به **بحران‌های روحی و روانی** گرفتار می‌سازد.

ویژگی سوم: عدالت

- فرهنگ مطلوب جهانی باید در لایه‌های مختلف خود (سطحی و عمیق) به ارزش جهان‌شمول عدالت و قسط معتقد و پایبند باشد تا بتواند از بروز پیامدهای زیر جلوگیری کند:
- ۱ قطبی شدن جهان ۲ بهره‌کشی ظالمانه برخی انسان‌ها و جوامع از برخی دیگر ۳ پایمال شدن حقوق انسان‌ها ۴ تفرقه بین جوامع ۵ تباہ شدن منابع و امکانات بشر
- پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «آسمان‌ها و زمین با عدالت پابرجا می‌مانند».

ویژگی چهارم: آزادی

- برخی **قید و بندها** مانع رسیدن انسان به کمال و حقوق انسانی‌اش می‌شوند و زمینه ظلم بر او را فراهم می‌کنند. فرهنگ جهانی باید آزادی انسان از این قیدوبندها را تأمین کند.
- آزادی همواره دو پرسش به همراه دارد: ۱ آزادی از چه؟ ۲ آزادی برای چه؟ زیرا آزادی همواره **رهایی از یک امر برای رسیدن به امری دیگر** است.

نکته: به این پرسش‌ها براساس ارزش‌های جهان‌شمول دیگر (مانند: **حقیقت، معنویت و عدالت**) پاسخ داده می‌شود.

ویژگی پنجم: تعهد و مسئولیت

- نتایج غلبه رویکرد جبرگرا و غیرمسئول در جوامع و فرهنگ:
- ↳ نقش انسان‌ها را در تعیین سرنوشتشان انکار می‌کند.
- ↳ قدرت مقاومت را از آدمیان می‌گیرد.
- ↳ انسان‌ها را به موجوداتی منفعل تبدیل می‌کند.
- ↳ زمینه نفوذ سلطه‌گران را فراهم می‌آورد.

توجه: در فرهنگ‌های جبرگرا، انسان نمی‌تواند آینده‌اش را براساس اراده و عمل خود بسازد و محکوم به سرنوشتی محتوم (حتمی) است. در نتیجه، فرهنگ جهانی باید روحیه **تعهد و مسئولیت** را در انسان‌ها ایجاد کند تا زمینه **گسترش و تحقق عقاید و ارزش‌های جهان‌شمول** را فراهم آورد.



ویژگی ششم: عقلانیت

• فرهنگ جهانی باید دارای دو سطح از عقلانیت باشد:

۱) سطح اول عقلانیت (پاسخ به پرسش‌های بنیادین و ثابت بشر):

• فرهنگ جهانی ابتدا باید به پرسش‌های ثابت و بنیادین بشر دربارهٔ انسان و جهان پاسخ دهد.

• اگر فرهنگی نتواند به این پرسش‌ها پاسخ دهد، **توانایی دفاع از هویت خود** را نخواهد داشت.

مثال ۱: معنای زندگی و مرگ، پرسش همیشگی بشر است.

مثال ۲: پیدایش عرفان‌های دروغین نوعی پاسخگویی کاذب به نیازهای معنوی (همان پرسش‌های بنیادین) انسان است.

۲) سطح دوم عقلانیت (پرسش‌های متغیر):

• انسان علاوه بر پرسش‌های بنیادین (ثابت)، در شرایط تاریخی مختلف با پرسش‌ها و نیازهای متفاوت و متغیری مواجه می‌شود.

• فرهنگ جهانی باید توانایی پاسخ به پرسش‌های متغیر را نیز داشته باشد و براساس عقاید و ارزش‌های بنیادین خود، به این پرسش‌ها و نیازهای متغیر پاسخ مناسب دهد.

مثال: پیر شدن جمعیت و بحران‌های زیست‌محیطی و محصولات تراریخته، مسئلهٔ امروز بشر و از جمله پرسش‌های متغیر هستند.

نکته: قبول تفاوت‌ها و محترم شمردن آن‌ها در فرهنگ جهانی اهمیت بسیاری دارد.

آثار و نتایج پذیرش تفاوت‌ها:

از صلح جهانی در برابر جنگ و خشونت محافظت می‌کند.

انگیزهٔ شناخت متقابل جوامع و فرهنگ‌ها را فراهم می‌آورد.

مثال: مراسم حج، نمونهٔ بارز تأکید هم‌زمان بر شباهت‌ها و تفاوت‌های میان انسان‌ها و فرهنگ‌هاست.

سوالات امتحانی

بخش اول

چه فرهنگ‌هایی جهانی می‌شوند؟

الف درستی یا نادرستی عبارات زیر را مشخص کنید.

☐ ☒

۱۲۹. فرهنگ‌های مختلف، گسترهٔ جغرافیایی و تداوم تاریخی یکسانی ندارند.

☐ ☒

۱۳۰. در طول زمان، در سرزمینی واحد، همواره فرهنگ‌های واحدی پدید می‌آیند.

☐ ☒

۱۳۱. در زمانی واحد، در سرزمین‌های متعدد، فرهنگ‌های گوناگونی شکل می‌گیرند.

☐ ☒

۱۳۲. برخی عناصر فرهنگی، تداوم تاریخی و گسترش جغرافیایی بیشتری دارند و برخی این‌گونه نیستند.

☐ ☒

۱۳۳. فرهنگ‌ها متنوع‌اند و این تنوع تنها به هنجارها و نمادهای آن‌ها برمی‌گردد.

☐ ☒

۱۳۴. فرهنگی که از مرزهای جغرافیایی و قومی عبور می‌کند و در جهان گسترش می‌یابد، فرهنگ جهانی است.

☐ ☒

۱۳۵. فرهنگی که عقاید و ارزش‌های آن مربوط به قوم و منطقهٔ خاصی است، در هیچ صورتی جهانی نمی‌شود.

☐ ☒

۱۳۶. فرهنگ‌هایی که عقاید و ارزش‌های آن‌ها مربوط به قوم و منطقهٔ خاصی است، جهانی نمی‌شوند، مگر اینکه با سایر اقوام و گروه‌ها تعامل داشته باشند.

☐ ☒

۱۳۷. در طول تاریخ، سه گونه فرهنگ بوده‌اند که از مرزهای جغرافیایی خود عبور کرده و به سوی جهانی شدن گام برداشته‌اند.

☐ ☒

۱۳۸. فرهنگ جهانی گونهٔ نخست با عبور از مرزهای جغرافیایی خود، جهان را به دو منطقهٔ مرکزی و پیرامونی تقسیم می‌کند.

☐ ☒

۱۳۹. در گونهٔ نخست فرهنگ‌های جهانی، منطقهٔ پیرامونی، منطقهٔ مرکزی را به خدمت می‌گیرد.

☐ ☒

۱۴۰. فرهنگ جهانی گونهٔ نخست، فرهنگی است که عقاید، ارزش‌ها یا هنجارهای آن متعلق به قوم، منطقه یا گروه خاصی است، ولی نگاه سلطه‌جویانه دارد.

☐ ☒

۱۴۱. آرمان‌ها و ارزش‌های صهیونیسم، نژاد خاصی را مورد توجه قرار می‌دهد و با رویکرد معنوی خود، دیگران را در خدمت به آن نژاد قرار می‌دهد.

☐ ☒

۱۴۲. فرهنگ صهیونیسم با رویکرد دنیوی خود، با دیگر جوامع همکاری و تعامل دارد.

☐ ☒

۱۴۳. فرهنگ سرمایه‌داری، گونهٔ دوم فرهنگ‌های جهانی است.

☐ ☒



۱۴۴. فرهنگ سرمایه‌داری، کانون ثروت و قدرت را مورد توجه قرار می‌دهد.

۱۴۵. فرهنگ صهیونیسم و فرهنگ سرمایه‌داری، دو نمونه از گونه‌ی نخست فرهنگ‌های جهانی‌اند.

۱۴۶. فرهنگی که تسلط یک قوم، جامعه یا گروهی خاص بر دیگران را به دنبال می‌آورد و دیگر اقوام، جوامع و گروه‌ها را به ضعف و ناتوانی می‌کشانند، فرهنگ استعمار یا استثمار است.

۱۴۷. فرهنگی که عقاید، ارزش‌ها، هنجارها و رفتارهای آن مطابق با نیازهای فطری باشد، همان فرهنگ حق است.

۱۴۸. فارابی جامعه‌ای را که عقاید و ارزش‌های آن حق باشد، اما هنجارها و رفتارهای آن موافق و همسو با حق نباشد، مدینه‌ی جاهله می‌نامد.

ب. جاهای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید.

۱۴۹. فرهنگ‌های مختلف، گستره‌ی جغرافیایی و تداوم تاریخی یکسانی (دارند - ندارند)

۱۵۰. فرهنگ‌ها متنوع‌اند و این تنوع به _____ و _____ اساسی و کلان آن‌ها برمی‌گردد.

۱۵۱. فرهنگی که از مرزهای جغرافیایی و قومی عبور می‌کند و در جهان گسترش می‌یابد، _____ نام دارد.

۱۵۲. فرهنگ‌هایی که عقاید و ارزش‌های آن‌ها مربوط به قوم و منطقه‌ی خاصی است، از محدوده‌ی قومی و منطقه‌ای خود فراتر نمی‌روند و جهانی نمی‌شوند، مگر اینکه نسبت به سایر اقوام _____ داشته باشند.

۱۵۳. فرهنگ‌های جهانی گونه‌ی نخست، در صورت جهانی شدن، جهان را به دو منطقه‌ی _____ و _____ تقسیم می‌کنند.

۱۵۴. فرهنگ جهانی گونه‌ی نخست، فرهنگی است که عقاید، ارزش‌ها یا هنجارهای آن متعلق به قوم، منطقه یا گروه خاصی است، ولی _____ دارد.

۱۵۵. در گونه‌ی نخست فرهنگ‌های جهانی، منطقه‌ی _____، منطقه‌ی _____ را به خدمت می‌گیرد.

۱۵۶. فرهنگ _____ و فرهنگ _____، نمونه‌هایی از فرهنگ جهانی گونه‌ی نخست هستند.

۱۵۷. فرهنگ _____ کانون ثروت و قدرت را مورد توجه قرار می‌دهد.

۱۵۸. فرهنگ جهانی گونه‌ی نخست، جامعه یا گروهی خاص را بر دیگران به دنبال می‌آورد و دیگر اقوام، جوامع و گروه‌ها را به ضعف و ناتوانی می‌کشانند، فرهنگ _____ نام دارد.

۱۵۹. فرهنگی که عقاید، ارزش‌ها، هنجارها و رفتارهای آن مطابق نیازهای _____ باشد، همان فرهنگ حق است.

۱۶۰. فارابی جامعه‌ای را که عقاید و ارزش‌های آن حق باشد، اما هنجارها و رفتارهای آن موافق و همسو با حق نباشد، _____ می‌نامد.

ج. گزینه‌ی درست را انتخاب کنید.

۱۶۱. عامل اصلی تنوع فرهنگ‌ها کدام است؟

- ☐ (۱) تنوع در هنجارها و نمادها
☐ (۲) تنوع در عقاید و ارزش‌های اساسی و کلان
☐ (۳) تنوع جغرافیایی
☐ (۴) تنوع تاریخی

۱۶۲. فرهنگی که عقاید، ارزش‌ها یا هنجارهای آن متعلق به قوم، منطقه یا گروه خاصی است، از محدوده‌ی قومی و منطقه‌ای خود فراتر نمی‌رود و جهانی نمی‌شود، مگر اینکه نسبت به سایر اقوام و مناطق _____ داشته باشد.

- ☐ (۱) برتری فرهنگی
☐ (۲) برتری نظامی
☐ (۳) نگاه سلطه‌جویانه
☐ (۴) برتری اقتصادی

۱۶۳. گونه‌ی نخست فرهنگ جهانی با عبور از مرزهای جغرافیایی خود، جهان را به دو منطقه‌ی _____ و _____ تقسیم می‌کند.

- ☐ (۱) مرکزی - پیرامونی
☐ (۲) شمالی - جنوبی
☐ (۳) شرقی - غربی
☐ (۴) قدیمی - جدید

۱۶۴. سرمایه‌داری، کانون _____ و _____ را مورد توجه قرار می‌دهد.

- ☐ (۱) علم - قدرت
☐ (۲) علم - ثروت
☐ (۳) ثروت - قدرت
☐ (۴) قدرت - دانش

۱۶۵. فرهنگی که تسلط یک قوم، جامعه یا گروهی خاص را بر دیگران به دنبال می‌آورد و دیگر اقوام و جوامع را به ضعف و ناتوانی می‌کشانند، چه نام دارد؟

- ☐ (۱) استکبار
☐ (۲) استثمار
☐ (۳) استثمار
☐ (۴) استبداد

۱۶۶. فارابی جامعه‌ای را که عقاید و ارزش‌های آن حق باشد، اما هنجارها و رفتارهای آن موافق و همسو با حق نباشد، چه می‌نامد؟

- ☐ (۱) مدینه‌ی فاضله
☐ (۲) مدینه‌ی جاهله
☐ (۳) مدینه‌ی تغلب
☐ (۴) مدینه‌ی فاسقه

د. به سؤالات زیر پاسخ کوتاه دهید.

۱۶۷. آیا فرهنگ‌های مختلف، گستره‌ی جغرافیایی و تداوم تاریخی یکسانی دارند؟

۱۶۸. علت تنوع فرهنگ‌ها چیست؟

۱۶۹. در طول تاریخ، چند گونه فرهنگ جهانی شده‌اند؟

۱۷۰. فرهنگ‌هایی که عقاید و ارزش‌های آن‌ها مربوط به قوم و منطقه‌ی خاصی است، در چه صورتی جهانی می‌شوند؟

۱۷۱. فرهنگ‌های جهانی گونه‌ی نخست، جهان را به چند منطقه تقسیم می‌کنند؟ نام ببرید.





۱۷۲. آرمان‌ها و ارزش‌های صهیونیسم چگونه است؟ (ذکر یک ویژگی)

۱۷۳. فرهنگ سرمایه‌داری چه چیزهایی را مورد توجه قرار می‌دهد؟

۱۷۴. فرهنگ جهانی را تعریف کنید.

۱۷۵. گونه دوم فرهنگ جهانی از چه چیزی سخن می‌گوید؟

۱۷۶. فرهنگ سلطه یا استکبار را تعریف کنید.

۱۷۷. فرهنگ حق چیست؟

۱۷۸. مدینه فاسقه چیست؟

ه وصل کنید.

۱۷۹. هر عبارت را به مفهوم مناسب در ستون مقابل آن وصل کنید. (یک مورد اضافی است.)

- | | | |
|----------------------------|---|-----------------------------------|
| الف) گونه نخست فرهنگ جهانی | • | ۱) کانون ثروت و قدرت |
| ب) سرمایه‌داری | • | ۲) نگاه سلطه‌جویانه |
| ج) گونه دوم فرهنگ جهانی | • | ۳) نژاد خاص |
| د) صهیونیسم | • | ۴) مدینه فاسقه |
| | • | ۵) عقاید و آرمان‌های مشترک انسانی |

۹ جدول را تکمیل کنید.

۱۸۰. جدول زیر را با عبارات مناسب کامل کنید.

انواع فرهنگ‌های جهانی	نمونه‌ها	ویژگی‌ها
گونه نخست		عقاید و ارزش‌های قومی و منطقه‌ای
گونه دوم	فرهنگ اسلام	

ز به سؤالات زیر پاسخ کامل دهید.

۱۸۱. آیا فرهنگ‌های مختلف، گستره جغرافیایی و تداوم تاریخی یکسانی دارند؟ شرح دهید.

۱۸۲. انواع فرهنگ‌های جهانی را مقایسه کنید.

۱۸۳. فرهنگ سلطه یا استکبار را تعریف کنید و نمونه بیاورید.

۱۸۴. فرهنگ سرمایه‌داری چه ویژگی‌هایی دارد؟

۱۸۵. فرهنگ صهیونیسم چه ویژگی‌هایی دارد؟

۱۸۶. فرهنگ حق را تعریف کنید.

۱۸۷. منظور از «مدینه فاسقه» چیست؟

بخش دوم

فرهنگ جهانی مطلوب چه ویژگی‌هایی دارد؟

الف درستی یا نادرستی عبارات زیر را مشخص کنید.

۱۸۸. عقاید و ارزش‌های فرهنگ جهانی باید عقاید و ارزش‌های مشترک انسانی باشد که از آن‌ها به عقاید و ارزش‌های عام و جهان‌شمول یاد می‌شود.



۱۸۹. فرهنگ‌هایی که به حقیقتی قائل نباشند، نمی‌توانند معیار و میزانی برای سنجش عقاید و ارزش‌های مختلف داشته باشند و در نتیجه، نمی‌توانند



از حقانیت ارزش‌های خود دفاع کنند.



۱۹۰. فرهنگی که صرفاً متوجه نیازهای مادی و دنیوی انسان است، بشر را به بحران‌های روحی و روانی گرفتار می‌سازد.



۱۹۱. فرهنگی که به ارزش جهان‌شمول معنویت قائل باشد، می‌تواند از تفرقه بین جوامع و تباه شدن منابع و امکانات بشر جلوگیری کند.



۱۹۲. فرهنگی که به ارزش جهان‌شمول آزادی پایبند باشد، می‌تواند از قطبی شدن جهان جلوگیری کند.



۱۹۳. آزادی همواره رهایی از یک امر برای رسیدن به امری دیگر است.



۱۹۴. فرهنگ‌های جبرگرا و هیرمسنول، نقش انسان‌ها در تعیین سرنوشتشان را انکار می‌کنند.





۱۹۵. فقدان ویژگی آزادی در فرهنگ، زمینه‌سازی نفوذ سلطه‌گران را فراهم می‌کند.



۱۹۶. فرهنگ جهانی باید روحیه تعهد و مسئولیت را در انسان‌ها ایجاد کند تا زمینه گسترش و تحقق عقاید و ارزش‌های جهان‌شمول را فراهم آورد.



۱۹۷. فرهنگ جهانی باید دارای سه سطح از عقلانیت باشد.



۱۹۸. اگر فرهنگی نتواند در سطح اول عقلانیت به پرسش‌های بنیادین بشر پاسخ دهد، نمی‌تواند از حقانیت ارزش‌های خود دفاع کند.



۱۹۹. فرهنگ جهانی باید توانایی پاسخ به پرسش‌های ثابت و متغیر بشر را داشته باشد.

ب جاهای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید.

۲۰۰. فرهنگی که به قائل نباشد، نمی‌تواند از حقانیت ارزش‌های خود دفاع کند.

۲۰۱. بهره‌مندی فرهنگ جهانی از ارزش جهان‌شمول، مانع از قطبی شدن جهان و تباه شدن منابع و امکانات بشر می‌شود.

۲۰۲. عدم بهره‌مندی فرهنگ جهانی از ویژگی، مانع رسیدن انسان به کمال و حقوق انسانی‌اش می‌شود و زمینه ظلم بر او را فراهم می‌کند.

۲۰۳. فرهنگ‌های و نقش انسان‌ها در تعیین سرنوشتشان را انکار می‌کنند.

۲۰۴. فرهنگ جهانی باید روحیه را در انسان‌ها ایجاد کند تا مانع نفوذ سلطه‌گران شود.

۲۰۵. فرهنگ جهانی باید توانایی پاسخ به پرسش‌های و بشر را داشته باشد.

ج گزینه درست را انتخاب کنید.

۲۰۶. کدام ویژگی فرهنگ جهانی مطلوب باعث می‌شود، فرهنگ بتواند از حقانیت ارزش‌های خود دفاع کند؟

(۱) آزادی (۲) عقلانیت (۳) حقیقت (۴) معنویت

۲۰۷. فقدان کدام ویژگی در فرهنگ باعث گرفتاری بشر به بحران‌های روحی و روانی می‌شود؟

(۱) معنویت (۲) عقلانیت (۳) حقیقت (۴) تعهد و مسئولیت

۲۰۸. کدام ویژگی فرهنگ جهانی مطلوب، مانع قطبی شدن جهان و تباه شدن منابع و امکانات بشر می‌شود؟

(۱) عدالت (۲) آزادی (۳) تعهد و مسئولیت (۴) حقیقت

د وصل کنید.

۲۰۹. هر عبارت را به مفهوم مناسب در ستون مقابل آن وصل کنید. (یک مورد اضافی است).

الف) سطوح عقلانیت	۱) انکار نقش انسان در تعیین سرنوشت خود
ب) جبرگرا و غیرمسئول	۲) جلوگیری از قطبی شدن جهان
ج) عدالت	۳) بحران‌های روحی و روانی
د) معنویت	۴) پاسخ به پرسش‌های ثابت و متغیر
	۵) توانایی دفاع از حقانیت ارزش‌ها

ه به سؤالات زیر پاسخ کوتاه دهید.

۲۱۰. جدول زیر را با عبارات مناسب کامل کنید.

پیامد	ویژگی‌های فرهنگ
رسیدن انسان به کمال و حقوق انسانی‌اش	
.....	قائل به آزادی
انکار نقش انسان در تعیین سرنوشت خود	
.....	قائل به حقیقت
گرفتاری بشر به بحران‌های روحی و روانی	

۲۱۱. در صورت نداشتن کدام ارزش جهان‌شمول، انسان به بحران‌های روحی و روانی دچار می‌شود؟

۲۱۲. در صورت نداشتن کدام ارزش جهان‌شمول، فرهنگ نمی‌تواند از حقانیت ارزش‌های خود دفاع کند؟

۲۱۳. با داشتن کدام ارزش جهان‌شمول می‌شود از تفرقه بین جوامع پیشگیری کرد؟

۲۱۴. با داشتن کدام ارزش جهان‌شمول می‌توان از قطبی شدن جهان و تباه شدن منابع و امکانات پیشگیری کرد؟

۲۱۵. اگر فرهنگی نتواند به پرسش‌های بنیادین بشر درباره انسان و جهان پاسخ دهد، چه نتیجه‌ای به دنبال دارد؟

پاسخ سؤالات درس ۱

۱. نادرست: هویت جهان اجتماعی بیشتر از لایه‌های عمیق فرهنگ (عقاید و ارزش‌ها) تأثیر می‌گیرد.
۲. درست
۳. درست
۴. درست
۵. درست
۶. نادرست: این پرسش به پرسش‌های انسان‌شناسانه تعلق دارد.
۷. نادرست: این پرسش به پرسش‌های معرفت‌شناسانه تعلق دارد.
۸. درست
۹. درست
۱۰. درست
۱۱. درست
۱۲. درست
۱۳. نادرست: فرهنگ، شیوه زندگی اجتماعی انسان‌ها را شکل می‌دهد.
۱۴. درست
۱۵. درست
۱۶. نادرست: وقتی فردی درباره موضوعی خاص می‌اندیشد، در محدوده فردی و ذهنی خود قرار دارد، ولی هنگامی که اندیشه‌اش را به صورت گفته یا نوشته بیان می‌کند یا براساس اندیشه و تصمیم خود با دیگران رفتار می‌کند، به جهان فرهنگی وارد می‌شود.
۱۷. درست
۱۸. درست
۱۹. درست
۲۰. نادرست: تمامی پدیده‌های جهان هستی محصول زندگی انسان نیستند، بلکه در مقابل جهان انسانی، جهان دیگری به نام جهان تکوینی وجود دارد. این جهان پیش از انسان هم بوده و وجود آن مستقل از خواست و اراده انسان است.
۲۱. درست
۲۲. درست
۲۳. نادرست: متفکران مسلمان، جهان تکوینی را به جهان طبیعت محدود نمی‌دانند، بلکه از نظر آنان، جهان طبیعت بخشی از جهان تکوینی است و جهان تکوینی را هم به دو جهان طبیعت و فوق طبیعت تقسیم می‌کنند.
۲۴. عمیق
۲۵. عمیق‌ترین
۲۶. جهان
۲۷. فرهنگ
۲۸. جهان ذهنی - جهان فرهنگی
۲۹. فرهنگی
۳۰. فرهنگی
۳۱. تناسب (همانگی)
۳۲. تکوینی
۳۳. جهان طبیعت
۳۴. طبیعت - فوق طبیعت
۳۵. گزینه «۴»: هر فرهنگی در عمیق‌ترین لایه‌های خود، به بنیادی‌ترین پرسش‌های بشر پاسخ می‌دهد.
۳۶. گزینه «۱»: هستی‌شناسانه، با پرسش‌هایی از این قبیل همراه است: «آیا جهان هستی به همین جهان مادی محدود می‌شود؟»

۳۷. گزینه «۲»: انسان‌شناسانه، با پرسش‌هایی از این قبیل همراه است: «آیا انسان موجودی مختار و فعال است یا مجبور و منفعل؟»
 ۳۸. گزینه «۲»: معرفت‌شناسانه، با پرسش‌هایی از این قبیل همراه است: «آیا تنها راه شناخت، حس و تجربه است؟»
 ۳۹. گزینه «۱»: بخش فردی جهان انسانی را جهان ذهنی و بخش اجتماعی آن را جهان فرهنگی می‌نامند.
 ۴۰. گزینه «۳»: متفکران مسلمان، جهان تکوینی را به جهان طبیعت محدود نمی‌دانند. از نظر آنان، جهان طبیعت بخشی از جهان تکوینی است و جهان تکوینی را هم به دو جهان طبیعت و فوق طبیعت تقسیم می‌کنند.
 ۴۱. الف ۲: متفکران مسلمان، جهان تکوینی را به جهان طبیعت محدود نمی‌دانند.
 - ب ۴: در مقابل جهان انسانی، جهان دیگری به نام جهان تکوینی وجود دارد.
 - ج ۱: بخش فردی جهان انسانی را جهان ذهنی می‌نامند.
 - د ۳: بخش اجتماعی جهان انسانی را جهان فرهنگی می‌نامند.
 ۴۲. هر فرهنگی در عمیق‌ترین لایه‌های خود، به بنیادی‌ترین پرسش‌های بشر پاسخ می‌دهد.
 ۴۳. هویت جهان اجتماعی بیشتر از لایه‌های عمیق فرهنگ (عقاید و ارزش‌ها) تأثیر می‌گیرد.
 ۴۴. پرسش‌ها و پاسخ‌های بنیادی، همان عقاید اساسی یا تصاویر بنیادی هر فرهنگ را از انسان و جهان می‌سازند.
 ۴۵. پرسش‌های بنیادی به سه دسته اصلی تقسیم می‌شوند:
- هستی‌شناسانه - معرفت‌شناسانه - انسان‌شناسانه**
۴۶. هستی‌شناسانه
 ۴۷. انسان‌شناسانه
 ۴۸. معرفت‌شناسانه
 ۴۹. جهان
 ۵۰. جهان انسانی به دو بخش فردی و اجتماعی تقسیم می‌شود.
 ۵۱. بخش فردی آن به زندگی شخصی و فردی انسان‌ها بازمی‌گردد.
 ۵۲. ابعاد ذهنی، اخلاقی و روانی انسان‌ها به این بخش تعلق دارد.
 ۵۳. بخش اجتماعی، زندگی اجتماعی انسان‌ها را دربرمی‌گیرد.
 ۵۴. بخش فردی جهان انسانی را جهان ذهنی و بخش اجتماعی آن را جهان فرهنگی می‌نامند.
 ۵۵. محصول آگاهی و عمل مشترک انسان‌هاست.
 ۵۶. جهان فرهنگی
 ۵۷. در مقابل جهان انسانی، جهان دیگری به نام جهان تکوینی وجود دارد.
 ۵۸. در مقابل جهان انسانی، جهان دیگری به نام جهان تکوینی وجود دارد.
 ۵۹. جهان تکوینی پیش از انسان هم بوده و وجود آن مستقل از خواست و اراده انسان است.
 ۶۰. متفکران مسلمان، جهان تکوینی را به دو جهان طبیعت و فوق طبیعت تقسیم می‌کنند.
 ۶۱. پرسش‌ها و پاسخ‌های بنیادی، همان عقاید اساسی یا تصاویر بنیادی هر فرهنگ را از انسان و جهان می‌سازند و به مثابه روح یا شالوده آن فرهنگ عمل می‌کنند.



۶۰. پرسش‌های بنیادی به سه دسته اصلی تقسیم می‌شوند:

۱. هستی‌شناسانه، با پرسش‌هایی از این قبیل: «آیا جهان هستی به همین جهان مادی محدود می‌شود؟»

۲. انسان‌شناسانه، با پرسش‌هایی از این قبیل: «آیا انسان موجودی مختار و فعال است یا مجبور و منفعل؟»

۳. معرفت‌شناسانه، با پرسش‌هایی از این قبیل: «آیا تنها راه شناخت، حس و تجربه است؟»

۶۱. وقتی به اطراف خود نگاه می‌کنیم، با پدیده‌های متفاوتی روبه‌رو می‌شویم. با تأمل بیشتر متوجه می‌شویم که این پدیده‌ها در مجموعه‌های بزرگ و مهمی دسته‌بندی می‌شوند. این مجموعه‌ها را به دلیل گستردگی و اهمیتشان، جهان می‌نامند.

۶۲. جهان انسانی محصول زندگی انسان است و هر چه با اندیشه و عمل انسان پدید می‌آید به این جهان تعلق دارد.

۶۳. جهان انسانی به دو بخش **فردی** و **اجتماعی** تقسیم می‌شود:

بخش فردی آن به زندگی شخصی و فردی انسان‌ها بازمی‌گردد. ابعاد ذهنی، اخلاقی و روانی انسان‌ها به این بخش تعلق دارد. هر کدام از ما دانسته‌ها، تجربه‌ها و خلقیات ویژه‌ای داریم که افراد دیگر با ما در آن‌ها شریک نیستند. **بخش اجتماعی** آن، زندگی اجتماعی انسان‌ها را در بر می‌گیرد.

۶۴. فرهنگ، شیوه زندگی اجتماعی انسان‌ها را شکل می‌دهد و خود نیز محصول آگاهی و عمل مشترک انسان‌هاست.

۶۵. بین دو بخش ذهنی و فرهنگی جهان انسانی، تناسب و هماهنگی وجود دارد. هر فرهنگی نوع خاصی از عقاید و خصوصیات ذهنی را در افراد به وجود می‌آورد و به همان نوع از عقاید و خصوصیات، اجازه بروز می‌دهد. هر نوع عقیده و اخلاقی نیز فرهنگ متناسب با خود را جست‌وجو می‌کند.

۶۶. در مقابل جهان انسانی، جهان دیگری به نام جهان تکوینی وجود دارد. این جهان پیش از انسان هم بوده و وجود آن مستقل از خواست و اراده انسان است.

۶۷. متفکران مسلمان، جهان تکوینی را به جهان طبیعت محدود نمی‌دانند. از نظر آنان، جهان طبیعت بخشی از جهان تکوینی است و جهان تکوینی را هم به دو جهان طبیعت و فوق طبیعت تقسیم می‌کنند.

۶۸. درست

۶۹. نادرست: بین جهان تکوینی و جهان انسانی نیز رابطه و پیوند برقرار است.

۷۰. نادرست: براساس این دیدگاه، جهان تکوینی به جهان طبیعت محدود می‌شود.

۷۱. درست

۷۲. درست

۷۳. نادرست: طرفداران **دیدگاه اول**، تفاوت علوم انسانی با علوم طبیعی را نادیده می‌گیرند.

۷۴. نادرست: براساس این دیدگاه، جهان **طبیعت** مهم‌تر از جهان ذهنی و جهان فرهنگی است.

۷۵. درست

۷۶. درست

۷۷. نادرست: براساس **دیدگاه دوم**، جهان ذهنی و فردی افراد تابع فرهنگ آن‌هاست و جهان تکوینی ماده خامی است که فرهنگ‌ها و جوامع مختلف در آن دخل و تصرف می‌کنند.

۷۸. نادرست: براساس **دیدگاه دوم**، جهان ذهنی و جهان تکوینی اهمیتی ندارند و استقلال خود را در برابر جهان فرهنگی از دست می‌دهند.

۷۹. درست

۸۰. درست

۸۱. درست

۸۲. نادرست: **دیدگاه سوم**، جهان فردی اشخاص را نادیده نمی‌گیرد و بر مسئولیت فرد در قبال فرهنگ و جامعه تأکید می‌کند.

۸۳. درست ۹۰. طبیعی - انسانی

۸۴. درست ۹۱. فرهنگی - ذهنی

۸۵. درست ۹۲. فرهنگ

۸۶. رابطه - تعامل ۹۳. دوم

۸۷. جهان طبیعت ۹۴. دوم

۸۸. طبیعت - فرهنگی ۹۵. ادراک - آگاهی

۸۹. طبیعی - مادی ۹۶. حکمت - خواست

۹۷. فرد - فرهنگ و جامعه

۹۸. گزینه «۱»: براساس **دیدگاه اول**، جهان تکوینی به جهان طبیعت محدود می‌شود.

۹۹. گزینه «۱»: براساس **دیدگاه اول**، جهان طبیعت مهم‌تر از جهان ذهنی و جهان فرهنگی است.

۱۰۰. گزینه «۱»: براساس **دیدگاه اول**، ذهن افراد و فرهنگ هویتی طبیعی و مادی دارند.

۱۰۱. گزینه «۱»: طرفداران **دیدگاه اول**، بین علوم طبیعی و علوم انسانی تفاوتی قائل نیستند.

۱۰۲. گزینه «۲»: طرفداران **دیدگاه دوم**، جهان فرهنگی را مهم‌تر از جهان ذهنی و تکوینی می‌دانند.

۱۰۳. گزینه «۲»: براساس **دیدگاه دوم**، جهان ذهنی و فردی افراد تابع فرهنگ آن‌هاست.

۱۰۴. گزینه «۲»: براساس **دیدگاه دوم**، جهان تکوینی ماده خامی است که فرهنگ‌ها و جوامع مختلف در آن دخل و تصرف می‌کنند.

۱۰۵. گزینه «۲»: براساس **دیدگاه دوم**، جهان ذهنی و جهان تکوینی اهمیتی ندارند و استقلال خود را در برابر جهان فرهنگی از دست می‌دهند.

۱۰۶. گزینه «۳»: براساس **دیدگاه سوم**، جهان فرهنگی، جهان ذهنی و جهان تکوینی مهم و در تعامل با یکدیگرند.

۱۰۷. گزینه «۳»: از **نگاه قرآن**، جهان تکوینی محدود به جهان طبیعت نیست. ادراک و آگاهی نیز به انسان منحصر نمی‌شود.

۱۰۸. الف ۳: براساس **دیدگاه اول**، جهان طبیعت مهم‌تر از جهان ذهنی و جهان فرهنگی است.

ب ۱: در **دیدگاه دوم**، جهان ذهنی و فردی افراد تابع فرهنگ آن‌هاست.

ج ۴: از نگاه قرآن، جهان تکوینی محدود به جهان طبیعت نیست.

د ۲: باورها و اعمالی را که نمی‌گذارند انسان حقیقت خویش و جهان هستی را درک کند، اغلال و سلاسل می‌نامند.



پاسخ سؤالات درس ۲

۱۲۹. درست
۱۳۰. نادرست: در طول زمان، در سرزمینی واحد، فرهنگ‌های متفاوتی پدید می‌آیند.
۱۳۱. درست
۱۳۲. درست
۱۳۳. نادرست: فرهنگ‌ها متنوع‌اند و این تنوع به عقاید و ارزش‌های اساسی و کلان آن‌ها برمی‌گردد.
۱۳۴. درست
۱۳۵. نادرست: فرهنگ‌هایی که عقاید و ارزش‌های آن‌ها مربوط به قوم و منطقه خاصی است، از محدوده قومی و منطقه‌ای خود فراتر نمی‌روند و جهانی نمی‌شوند؛ مگر اینکه نسبت به سایر اقوام و مناطق نگاه سلطه‌جویانه داشته باشند.
۱۳۶. نادرست: فرهنگ‌هایی که عقاید و ارزش‌های آن‌ها مربوط به قوم و منطقه خاصی است، از محدوده قومی و منطقه‌ای خود فراتر نمی‌روند و جهانی نمی‌شوند، مگر اینکه نسبت به سایر اقوام و مناطق نگاه سلطه‌جویانه داشته باشند.
۱۳۷. نادرست: در طول تاریخ، فرهنگ‌هایی وجود داشته‌اند که از مرزهای جغرافیایی خود عبور کرده و به‌سوی جهانی شدن گام برداشته‌اند. این فرهنگ‌ها دو گونه‌اند.
۱۳۸. درست
۱۳۹. نادرست: منطقه مرکزی، منطقه پیرامونی را به خدمت می‌گیرد.
۱۴۰. درست
۱۴۱. نادرست: آرمان‌ها و ارزش‌های صهیونیسم، نژاد خاصی را مورد توجه قرار می‌دهد و با رویکرد دنیوی خود، دیگران را در خدمت به آن نژاد به کار می‌گیرد.
۱۴۲. نادرست: آرمان‌ها و ارزش‌های صهیونیسم، نژاد خاصی را مورد توجه قرار می‌دهد و با رویکرد دنیوی خود، دیگران را در خدمت به آن نژاد به کار می‌گیرد.
۱۴۳. نادرست: فرهنگ سرمایه‌داری، گونه اول فرهنگ‌های جهانی است.
۱۴۴. درست
۱۴۵. درست
۱۴۶. نادرست: فرهنگی که تسلط یک قوم، جامعه یا گروهی خاص را بر دیگران به دنبال می‌آورد و دیگر اقوام، جوامع و گروه‌ها را به ضعف و ناتوانی می‌کشانند، فرهنگ سلطه یا استکبار است.
۱۴۷. درست
۱۴۸. نادرست: فارابی جامعه‌ای را که عقاید و ارزش‌های آن حق باشد، اما هنجارها و رفتارهای آن موافق و همسو با حق نباشد، مدینه فاسقه می‌نامد.
۱۴۹. ندارند. ۱۵۵. مرکزی - پیرامونی
۱۵۰. عقاید - ارزش‌های ۱۵۶. صهیونیسم - سرمایه‌داری
۱۵۱. فرهنگ جهانی ۱۵۷. سرمایه‌داری
۱۵۲. نگاه سلطه‌جویانه ۱۵۸. سلطه یا استکبار
۱۵۳. مرکزی - پیرامونی ۱۵۹. فطری
۱۵۴. نگاه سلطه‌جویانه ۱۶۰. مدینه فاسقه
۱۶۱. گزینه ۲: فرهنگ‌ها متنوع‌اند و این تنوع به عقاید و ارزش‌های اساسی و کلان آن‌ها برمی‌گردد.

۱۰۹. دیدگاه اول
۱۱۰. دیدگاه اول
۱۱۱. طبیعی و مادی
۱۱۲. طرفداران دیدگاه اول
۱۱۳. جهان فرهنگی
۱۱۴. فرهنگ
۱۱۵. دیدگاه دوم
۱۱۶. دیدگاه سوم
۱۱۷. دیدگاه قرآنی
۱۱۸. دیدگاه قرآنی
۱۱۹. براساس حکمت و خواست خداوند سبحان، با افراد و جوامع انسانی رفتاری حکیمانه دارد.
۱۲۰. براساس این دیدگاه، جهان تکوینی به جهان طبیعت محدود می‌شود و جهان طبیعت مهم‌تر از جهان ذهنی و جهان فرهنگی است. ذهن افراد و فرهنگ نیز هویتی طبیعی و مادی دارند و علوم مربوط به آن‌ها نظیر علوم طبیعی است.
۱۲۱. جهان فرهنگی را مهم‌تر از جهان ذهنی و تکوینی می‌دانند. در این دیدگاه، جهان ذهنی و فردی افراد تابع فرهنگ آن‌هاست و جهان تکوینی ماده خامی است که فرهنگ‌ها و جوامع مختلف در آن دخل و تصرف می‌کنند. در این دیدگاه، جهان ذهنی و جهان تکوینی اهمیتی ندارند و استقلال خود را در برابر جهان فرهنگی از دست می‌دهند.
۱۲۲. براساس این دیدگاه، جهان فرهنگی، جهان ذهنی و جهان تکوینی، مهم و در تعامل با یکدیگرند. از نگاه قرآن، جهان تکوینی محدود به جهان طبیعت نیست. ادراک و آگاهی نیز به انسان منحصر نمی‌شود و جهان تکوینی براساس حکمت و خواست خداوند سبحان، با افراد و جوامع انسانی رفتاری حکیمانه دارد.
۱۲۳. قرآن کریم برای جامعه و فرهنگ، جایگاه ویژه‌ای قائل است و از زندگی و مرگ امت‌ها سخن می‌گوید. در عین حال، جهان فردی اشخاص را نادیده نمی‌گیرد و بر مسئولیت فرد در قبال فرهنگ و جامعه تأکید می‌کند.
۱۲۴. از منظر قرآن کریم، هرگاه افراد و فرهنگ جامعه هویتی مشترکانه داشته باشند، زمین و آسمان از تعامل سازنده با آن‌ها سر باز می‌زنند و ظرفیت‌های الهی و آسمانی خود را از آن‌ها پنهان می‌کنند.
۱۲۵. از منظر قرآن، هرگاه انسان اخلاق الهی داشته باشد و جامعه نیز از فرهنگ توحیدی برخوردار باشد، جهان تکوینی درهای برکات خود را به روی آن‌ها می‌گشاید.
۱۲۶. برخی دیدگاه‌ها، بر شناخت درستی از انسان و جهان هستی استوار نیستند. اگر انسان از خود و جهان هستی شناخت درستی نداشته باشد، از تعامل صحیح با جهان هستی باز می‌ماند و نمی‌تواند استعدادهایش را به‌طور کامل شکوفا کند.
۱۲۷. قرآن کریم باورها و اعمالی را که نمی‌گذارند انسان حقیقت خویش و جهان هستی را درک کند، اغلال و سلاسل می‌نامند.
۱۲۸. از آنجا که جهان‌های مختلف با هم رابطه و تعامل دارند، بین جهان ذهنی و فرهنگی نیز رابطه و پیوند برقرار است. در واقع بین دو بخش ذهنی و فرهنگی جهان انسانی، تناسب و هماهنگی وجود دارد. هر فرهنگی نوع خاصی از عقاید و خصوصیات ذهنی را در افراد به وجود می‌آورد و به همان نوع از عقاید و خصوصیات، اجازه بروز می‌دهد. هر نوع عقیده و اخلاقی نیز فرهنگی متناسب با خود را جست‌وجو می‌کند.
- قرآن کریم نیز برای جامعه و فرهنگ، جایگاه ویژه‌ای قائل است و از زندگی و مرگ امت‌ها سخن می‌گوید. در عین حال، جهان فردی اشخاص را نادیده نمی‌گیرد و بر مسئولیت فرد در قبال فرهنگ و جامعه تأکید می‌کند.



۱۸۰

ویژگی‌ها	نمونه‌ها	انواع فرهنگ جهانی
عقاید و ارزش‌های قومی و منطقه‌ای	صهیونیسم - سرمایه‌داری	گونه نخست
عقاید و ارزش‌های مشترک انسانی	فرهنگ اسلام	گونه دوم

۱۸۱. فرهنگ‌های مختلف، گستره جغرافیایی و تداوم تاریخی یکسانی ندارند. در طول زمان، در سرزمینی واحد، فرهنگ‌های متفاوتی پدید می‌آیند و در زمانی واحد، در سرزمین‌های متعدد، فرهنگ‌های گوناگونی شکل می‌گیرند.

۱۸۲. گونه نخست: فرهنگی است که عقاید، ارزش‌ها یا هنجارهای آن متعلق به قوم، منطقه یا گروه خاصی است، ولی نگاهی سلطه‌جویانه دارد. چنین فرهنگی با عبور از مرزهای جغرافیایی خود، جهان را به دو منطقه مرکزی و منطقه پیرامونی تقسیم می‌کند. منطقه مرکزی، منطقه پیرامونی را به خدمت می‌گیرد.

گونه دوم: فرهنگی است که عقاید، ارزش‌ها و هنجارهای آن در خدمت گروه و قوم خاصی نیست، بلکه سعادت همه انسان‌ها را دنبال می‌کند و از عقاید و آرمان‌های مشترک انسانی سخن می‌گوید.

۱۸۳. فرهنگی که تسلط یک قوم، جامعه یا گروهی خاص را بر دیگران به دنبال می‌آورد و دیگر اقوام، جوامع و گروه‌ها را به ضعف و ناتوانی می‌کشاند، فرهنگ سلطه یا استکبار است، مانند فرهنگ صهیونیسم و سرمایه‌داری.

۱۸۴. سرمایه‌داری، کانون ثروت و قدرت را مورد توجه قرار می‌دهد و کشورهای دیگر را در پیرامون آن به خدمت می‌گیرد.

۱۸۵. آرمان‌ها و ارزش‌های صهیونیسم، نژاد خاصی را مورد توجه قرار می‌دهد و با رویکرد دنیوی خود، دیگران را در خدمت به آن نژاد به کار می‌گیرد.

۱۸۶. فرهنگی که عقاید، ارزش‌ها، هنجارها و رفتارهای آن مطابق نیازهای فطری باشد، همان فرهنگ حق است.

۱۸۷. فارابی جامعه‌ای را که عقاید و ارزش‌های آن حق باشد، اما هنجارها و رفتارهای آن موافق و همسو با حق نباشد، مدینه فاسقه می‌نامد.

۱۸۸. درست

۱۸۹. درست

۱۹۰. درست

۱۹۱. نادرست: فرهنگی که به ارزش جهان‌شمول عدالت قائل باشد، می‌تواند از تفرقه بین جوامع و تباه شدن منابع و امکانات بشر جلوگیری کند.

۱۹۲. نادرست: فرهنگی که به ارزش جهان‌شمول عدالت پایبند باشد، می‌تواند از قطبی شدن جلوگیری کند.

۱۹۳. درست

۱۹۴. درست

۱۹۵. نادرست: فقدان ویژگی تعهد و مسئولیت در فرهنگ، زمینه نفوذ سلطه‌گران را فراهم می‌کند.

۱۹۶. درست

۱۹۷. نادرست: فرهنگ جهانی باید دارای دو سطح از عقلانیت باشد.

۱۹۸. نادرست: اگر فرهنگی نتواند در سطح اول از عقلانیت به پرسش‌های بنیادین بشر پاسخ دهد، توانایی دفاع از هویت خود را نخواهد داشت.

۱۶۲. گزینه «۳»: فرهنگ‌هایی که عقاید و ارزش‌های آن‌ها مربوط به قوم و منطقه خاصی است، از محدوده قومی و منطقه‌ای خود فراتر نمی‌روند و جهانی نمی‌شوند؛ مگر اینکه نسبت به سایر اقوام و مناطق نگاه سلطه‌جویانه داشته باشند.

۱۶۳. گزینه «۱»: گونه نخست با عبور از مرزهای جغرافیایی خود، جهان را به دو منطقه مرکزی و منطقه پیرامونی تقسیم می‌کند.

۱۶۴. گزینه «۳»: سرمایه‌داری، کانون ثروت و قدرت را مورد توجه قرار می‌دهد.

۱۶۵. گزینه «۱»: فرهنگی که تسلط یک قوم، جامعه یا گروهی خاص را بر دیگران به دنبال می‌آورد و دیگر اقوام، جوامع و گروه‌ها را به ضعف و ناتوانی می‌کشاند، فرهنگ سلطه یا استکبار نامیده می‌شود.

۱۶۶. گزینه «۴»: فارابی جامعه‌ای را که عقاید و ارزش‌های آن حق باشد، اما هنجارها و رفتارهای آن موافق و همسو با حق نباشد، مدینه فاسقه می‌نامد.

۱۶۷. خیر، فرهنگ‌های مختلف، گستره جغرافیایی و تداوم تاریخی یکسانی ندارند.

۱۶۸. فرهنگ‌ها متنوع‌اند و این تنوع به عقاید و ارزش‌های اساسی و کلان آن‌ها برمی‌گردد.

۱۶۹. این فرهنگ‌ها دو گونه‌اند.

۱۷۰. نسبت به سایر اقوام و مناطق نگاه سلطه‌جویانه داشته باشند.

۱۷۱. جهان را به دو منطقه مرکزی و منطقه پیرامونی تقسیم می‌کند.

۱۷۲. آرمان‌ها و ارزش‌های صهیونیسم، نژاد خاصی را مورد توجه قرار می‌دهد و با رویکرد دنیوی خود، دیگران را در خدمت به آن نژاد به کار می‌گیرد.

۱۷۳. سرمایه‌داری، کانون ثروت و قدرت را مورد توجه قرار می‌دهد و کشورهای دیگر را در پیرامون آن به خدمت می‌گیرد.

۱۷۴. فرهنگی که از مرزهای جغرافیایی و قومی عبور می‌کند و در جهان گسترش می‌یابد، فرهنگ جهانی است.

۱۷۵. فرهنگی است که عقاید، ارزش‌ها و هنجارهای آن در خدمت گروه و قوم خاصی نیست، بلکه سعادت همه انسان‌ها را دنبال می‌کند و از عقاید و آرمان‌های مشترک انسانی سخن می‌گوید.

۱۷۶. فرهنگی که تسلط یک قوم، جامعه یا گروهی خاص را بر دیگران به دنبال می‌آورد و دیگر اقوام، جوامع و گروه‌ها را به ضعف و ناتوانی می‌کشاند، فرهنگ سلطه یا استکبار است.

۱۷۷. فرهنگی که عقاید، ارزش‌ها، هنجارها و رفتارهای آن مطابق نیازهای فطری باشد، همان فرهنگ حق است.

۱۷۸. فارابی جامعه‌ای را که عقاید و ارزش‌های آن حق باشد، اما هنجارها و رفتارهای آن موافق و همسو با حق نباشد، مدینه فاسقه می‌نامد.

۱۷۹. الف ۲: گونه نخست فرهنگ جهانی، فرهنگی است که عقاید، ارزش‌ها یا هنجارهای آن متعلق به قوم، منطقه یا گروه خاصی است، ولی نگاهی سلطه‌جویانه دارد.

ب ۱: سرمایه‌داری، کانون ثروت و قدرت را مورد توجه قرار می‌دهد و کشورهای دیگر را در پیرامون آن به خدمت می‌گیرد.

ج ۵: گونه دوم فرهنگ جهانی، فرهنگی است که عقاید، ارزش‌ها و هنجارهای آن در خدمت گروه و قوم خاصی نیست، بلکه سعادت همه انسان‌ها را دنبال می‌کند و از عقاید و آرمان‌های مشترک انسانی سخن می‌گوید.

د ۳: آرمان‌ها و ارزش‌های صهیونیسم، نژاد خاصی را مورد توجه قرار می‌دهد و با رویکرد دنیوی خود، دیگران را در خدمت به آن نژاد به کار می‌گیرد.

۱۹۹. درست

۲۰۰. حقیقتی

۲۰۱. عدالت

۲۰۵. ثابت - متغیر

۲۰۶. گزینه ۳: فرهنگ‌هایی که به **حقیقتی** قائل نباشند، نمی‌توانند معیار و میزانی برای سنجش عقاید و ارزش‌های مختلف داشته باشند و در نتیجه، نمی‌توانند از حقانیت ارزش‌های خود دفاع کنند.

۲۰۷. گزینه ۱۱: فرهنگی که صرفاً متوجه نیازهای مادی و دنیوی انسان است و از نیازهای ابدی و معنوی او چشم‌پوشی می‌کند، بشر را به بحران‌های روحی و روانی گرفتار می‌سازد. فرهنگ جهانی باید از **معنویت** که ارزشی جهان‌شمول است، برخوردار باشد.

۲۰۸. گزینه ۱۱: ارزش جهان‌شمول **عدالت**، مانع قطبی شدن جهان و تباہ شدن امکانات بشر می‌شود.

۲۰۹. الف ۴: فرهنگی که از دو سطح عقلانیت برخوردار باشد، می‌تواند به **پرسش‌های ثابت و متغیر** براساس عقاید و ارزش‌های بنیادین خود پاسخ دهد.

ب ۱: فرهنگ‌های جبرگرا و غیرمسئول نقش انسان در **تعیین سرنوشت خود را انکار می‌کنند**.

ج ۲: ارزش جهان‌شمول عدالت، **مانع از قطبی شدن جهان** می‌شود.

د ۳: فرهنگی که از **معنویت** برخوردار نباشد، بشر را به **بحران‌های روحی و روانی** گرفتار می‌سازد.

۲۱۰.

ویژگی‌های فرهنگ	پیامد
قائل به آزادی	رسیدن انسان به کمال و حقوق انسانی‌اش
قائل به آزادی	جلوگیری از زمینه‌ظلم بر انسان
جبرگرا یا غیرمسئول	انکار نقش انسان در تعیین سرنوشت
قائل به حقیقت	توانایی دفاع از حقانیت ارزش‌ها
عدم برخورداری از معنویت	گرفتاری به بحران‌های روحی و روانی

۲۱۱. معنویت

۲۱۲. حقیقت

۲۱۳. با ارزش جهان‌شمول عدالت

۲۱۴. با ارزش جهان‌شمول عدالت

۲۱۵. اگر فرهنگی نتواند به پرسش‌های بنیادین بشر پاسخ دهد، توانایی دفاع از هویت خود را نخواهد داشت.

۲۱۶. برخی قیدوبندها مانع رسیدن انسان به کمال و حقوق انسانی‌اش می‌شوند و زمینه‌ظلم بر او را فراهم می‌کنند. فرهنگ جهانی باید آزادی انسان از این قیدوبندها را تأمین کند.

۲۱۷. فرهنگ جهانی باید دارای دو سطح از عقلانیت باشد.

۲۱۸. فرهنگی که عقلانیت نداشته باشد، توانایی دفاع از هویت خود را نخواهد داشت.

۲۱۹. فرهنگ‌های جبرگرا و غیرمسئول

۲۲۰. آزادی همواره دو پرسش به همراه دارد: آزادی از چه؟ آزادی برای چه؟ زیرا آزادی همواره رهایی از یک امر برای رسیدن به امری دیگر است. به این پرسش‌ها براساس ارزش‌های جهان‌شمول دیگر مانند حقیقت، معنویت و عدالت پاسخ داده می‌شود. با پاسخی که به این دو پرسش داده می‌شود، معنای آزادی مشخص می‌گردد.

۲۲۱. فرهنگ‌هایی که به حقیقتی قائل نباشند، نمی‌توانند معیار و میزانی برای سنجش عقاید و ارزش‌های مختلف داشته باشند و در نتیجه، نمی‌توانند از حقانیت ارزش‌های خود دفاع کنند.

۲۲۲. فرهنگی که صرفاً متوجه نیازهای مادی و دنیوی انسان است و از نیازهای ابدی و معنوی او چشم‌پوشی می‌کند، بشر را به بحران‌های روحی و روانی گرفتار می‌سازد. فرهنگ جهانی باید از معنویت که ارزشی جهان‌شمول است، برخوردار باشد.

۲۲۳. می‌توان از قطبی شدن جهان، بهره‌کشی ظالمانه برخی انسان‌ها و جوامع از برخی دیگر و در نتیجه، پایمال شدن حقوق انسان‌ها جلوگیری کرد. می‌توان از تفرقه بین جوامع و تباہ شدن منابع و امکانات بشر پیشگیری کرد.

۲۲۴. برخی فرهنگ‌ها جبرگرا و غیرمسئول‌اند. آن‌ها نقش انسان‌ها در تعیین سرنوشتشان را انکار می‌کنند، قدرت مقاومت را از آدمیان می‌گیرند، آن‌ها را به موجوداتی منفعل تبدیل می‌کنند و زمینه نفوذ سلطه‌گران را فراهم می‌آورند.

۲۲۵. فرهنگ جهانی باید روحیه تعهد و مسئولیت را در انسان‌ها ایجاد کند تا زمینه گسترش و تحقق عقاید و ارزش‌های جهان‌شمول را فراهم آورد.

۲۲۶. ابتدا باید به پرسش‌های بنیادین بشر درباره انسان و جهان پاسخ دهد. اگر فرهنگی نتواند به این پرسش‌ها پاسخ دهد، توانایی دفاع از هویت خود را نخواهد داشت.

۲۲۷. انسان علاوه بر پرسش‌های بنیادین، در شرایط تاریخی مختلف با پرسش‌ها و نیازهای متفاوتی مواجه می‌شود. فرهنگ جهانی باید توانایی پاسخ به پرسش‌های ثابت بشر و پرسش‌های متغیر را داشته باشد و براساس عقاید و ارزش‌های بنیادین خود، به این پرسش‌ها و نیازهای متغیر پاسخ مناسب بدهد.

۲۲۸. آزادی همواره دو پرسش به همراه دارد: آزادی از چه؟ آزادی برای چه؟ زیرا آزادی همواره رهایی از یک امر برای رسیدن به امری دیگر است. به این پرسش‌ها براساس ارزش‌های جهان‌شمول دیگر مانند حقیقت، معنویت و عدالت پاسخ داده می‌شود.

۲۲۹. خیر: قبول تفاوت‌ها و محترم شمردن آن‌ها در فرهنگ جهانی اهمیت بسیاری دارد. پذیرش تفاوت‌ها از صلح جهانی در برابر جنگ و خشونت محافظت می‌کند و انگیزه شناخت متقابل جوامع و فرهنگ‌ها را فراهم می‌آورد. مراسم حج، نمونه بارز تأکید هم‌زمان بر شباهت‌ها و تفاوت‌های میان انسان‌ها و فرهنگ‌هاست. در این مراسم، انسان‌ها - از زن و مرد گرفته تا اقوام، ملت‌ها و نژادهای متفاوت - در جایگاهی برابر در یک مکان و زمان جمع می‌شوند و در کنار یکدیگر در مسیر خداپرستی رشد می‌کنند.

۲۳۰. پیر شدن جمعیت، مسئله امروز بشر است و جوامع برای پاسخگویی به آن براساس سطح دوم عقلانیت چاره‌اندیشی می‌کنند.

۲۳۱. یکی از پاسخ‌های امروز بشر براساس سطح دوم عقلانیت به رشد جمعیت کره زمین و کمبود منابع، تولید محصولات تراریخته است.

۲۳۲. مراسم حج، نمونه بارز تأکید هم‌زمان بر شباهت‌ها و تفاوت‌های میان انسان‌ها و فرهنگ‌هاست. در این مراسم، انسان‌ها - از زن و مرد گرفته تا اقوام، ملت‌ها و نژادهای متفاوت - در جایگاهی برابر در یک مکان و زمان جمع می‌شوند و در کنار یکدیگر در مسیر خداپرستی رشد می‌کنند.